

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟
(اظهار شد خیر)

ماده ۱۲ طرح - ماده - شرکت نامه چه مصدق وجه غیر مصدق باید از قرار صدی ربع تبر الصاق شود.

رایوت کمیسیون - ماده ۱۲ شرکت نامه چه مصدق وجه غیر مصدق باید تبر دولتی الصاق شده و قیمت موافق قانون دریافت شود.

محمد هاشم میرزا - مقصود مطابق کدام قانون است قانون ثبت اسناد است یا همین قانون است اگر همین قانون است که اینجا باید نوشته شود این خوبست تصریح شود که این قانون است یا قانون ثبت اسناد است.

منتصر السلطان - در این مسئله مخیر کمیسیون عقیده اش این بود ابتداء که صد تومانی دو قران پیشنهاد بکنند بعد بعضی مذاکرات در کمیسیون بعضی تجار از قبیل تومانیان و غیره نمودند و گفتند این راجع بقانون ثبت اسناد است باید بکنان مخصوص داشته باشد و شما رجوع بکنید بآن قانون لهذا کمیسیون هم متقاعد شد حالیه اگر ممکنست در جزء قانون ثبت اسناد يك ماده العاقبه نوشته شود یا اینکه همین جا معین شود یا اگر مجلس صلاح میدانند يك پیشنهاد بکنند همان نظر کمیسیون را از اول صد تومان دو قران بوده است یا صدی ربع آن شخصی که این پیشنهاد را کرده است قبول بکنند یا يك قانون دیگری نوشته شود.

بهجت - بنده هم این قانون را مخالف هستم اگر اینجا ذکر بشود و هیچ تفصیلاتی دیگر لازم ندارد اگر ما میخواهیم موافق قانون ثبت اسناد يك حق بگیریم و اگر میخواهیم يك چیز دیگری یعنی يك قانونی که بنده نوشته شود آتاهم حرفی است پس باید بگوئیم مطابق قانون ثبت اسناد یا اینکه مطابق مبلغی که در طرح معین شده و اگر کمیسیون زیاد میدانند یا کم میدانند يك چیزی زیاد یا کم بکنند یا اینکه رجوع بکنند به قانون ثبت اسناد و الا بطور کلی گفتن و مجمل گذاشتن صحیح نیست پس اگر خواست باید قانونی عایدجه برای تبر داشته باشیم باید بگوئیم مطابق قانون ثبت اسناد یا اینکه این پیشنهاد اگر زیادتر میدانند کم کنند و اگر کم میدانند زیاد کنند.

حاج سید ابراهیم - گویا مراد از این قانون که اینجا نوشته میشود مراد همین قانون است و بقانون ثبت اسناد هیچ ربط ندارد باینکه يك سند معامله در اینجا ثبت بشود آنجا دولت باید تبر الصاق کند او فقط در حق ثبت آن سند است و این حق اختیار خود این قانونی است که اینجا میگذرانیم ولو صدی یا کمتر باشد.

ارباب کبخسرو - این ماده ابدأ راجع ثبت اسناد نیست این قانون تبسیر است ما نباید فراموش بکنیم هر چیزی که راجع است بمالیه نظرمان لایحه ۱۲ ماده که ۲۲ جزو گذشته که باید نظر خزانه دار کل در عمل مالیه باشد خوبست این ماده رجوع بشود بوزارت مالیه و خزانه دار

کل نظرات خودشان را در این ماده بنمایند و پیشنهادی بکنند.

حاج عز الدمالک - اینکه اینجا مسئله راجع بقانون ثبت اسناد بشود بنده مخالفم باینکه اداره ثبت اسناد يك اداره آزادی است و مجبور نیست کسی که شرکت نامه یا سند خودش را ببرد ثبت بکند و اینجا بطور اجبار نوشته است که باید تبر بشود و بنده موافقم که باید همان صدی ربع که اینجا معین شده است بگذرد نه اینکه بطوریکه کمیسیون نوشته مبهم باشد.

رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟ (اظهار شد کافیست)

حاج شیخ اسدالله - همانطوریکه مذاکره شد این هیچ مناسبتی با ثبت اسناد ندارد و این يك قانون الصاق تمبری است و عرض میکنم باید در همین نوشته شود و تعیین وجه آن شود صدی دو قران را هم بنده زیاد میدانم و بنده در هر صد تومان يك قران برای الصاق تمبر پیشنهاد میکنم و تقدیم میکنم و هیچ ربطی هم با اداره ثبت اسناد ندارد و در قانون ثبت اسناد هم يك همچو ماده نوشته ایم تصور میکنم که نشود این را راجع بقانون ثبت اسناد نمود و در اینخصوص چیزی گرفت و آن يك ترتیب دیگری دارد و ما از برای اینکه از شرکتها چه باید گرفته شود چیزی معین نکرده ایم در هر صورت گمان میکنم بپیچ وجه راجع به ثبت اسناد نباشد و بنده پیشنهاد میکنم که دو صد تومان يك قران گرفته شود.

منتصر السلطان - گمان میکنم که کمیسیون نمیتواند این صد تومان يك قران را تصویب بکنند و نظر آقای ارباب را کمیسیون تصویب میکنند که این ماده بخزانه دار کل مستر شوستر باید رجوع شود و نظریات او هم معلوم شود آن وقت این ماده بگذرد.

حاج شیخعلی خراسانی - بنده گمان میکنم که این باید رجوع شود بقانون ثبت اسناد و ملاحظه اینکه باید رجوع شود بقانون اسناد که آقایان میفرمایند این است که آن وقتی که ما قانون ثبت اسناد را مینویسیم قانون شرکها نبود لکن حالا يك نظر لازم است بجهة این که برای شرکت ها وضع کرده ایم و معین میکنیم برای ثبت کردن شرکت نامه چه مبلغ بدهند که در دائره ثبت اسناد ثبت شود حالا آقایان میگویند که اداره ثبت اسناد آزاد است و مجبور نیستند که بآنجا ببرند بهمین جهت است که ما يك ماده در آنجا مینویسیم که مجبور شوند شرکت نامه خودشان را ببرند ثبت کنند و این که صحبت از تمبر میکنند اینجا ملاحظه و مذاکره میکنیم این راجع بقانون کلی تمبر است هر وقت آن قانون نوشته شد آن وقت يك ماده راجع بآن نوشته خواهد شد اینجا هیچ موضوعی ندارد.

رئیس - اگر میخواهید تجدید نظری بشود در کمیسیون میباشد تقاضا کنند که بر گردد به کمیسیون.

افتخار الواعظین - بله تقاضا میکنم بر گردد بکمیسیون و تجدید نظری بشود دو مرتبه تقدیم خواهد شد.

رئیس - ماده (سیزده) خوانده میشود.

(ماده سیزده طرح بپارت ذیل قرائت شد)
ماده (۱۳) - شرکت نامه اعم از اینکه مصدق یا غیر مصدق باشد باید در يك روزنامه مرکز اعلان شود اگر مرکز غیر از تهران است علاوه بر روزنامه فوق باید در یکی از روزنامه جات تهران هم اعلان شود در صورتیکه شرکت شعبات متعدده داشته باشد شرکت نامه باید در روزنامه هر شهری که شعبه آن است اعلان شود در جاهائیکه روزنامه نیست با اطلاع حکومت در پنج معبر مختلف شرکات نامه بطور اعلان نصب میشود.

اصلاح کمیسیون - ماده (۱۳) شرکت نامه اعم از این که مصدق یا غیر مصدق باشد باید در يك روزنامه مرکز شرکت اعلان شود در صورتی که شرکت شعبات متعدده داشته باشد شرکت نامه باید در روزنامه هر شهری که شعبه آن است اعلان شود و در جاهائی که روزنامه نیست با اطلاع حکومت در پنج معبر مختلف شرکت نامه بطور اعلان نصب میشود.

محمد هاشم میرزا - بنده اصل طرح را بهتر میدانم که در یکی از روزنامه های تهران اعلان شود حتی اگر مخالف با وظایف روزنامه رسمی نباشد در روزنامه رسمی اعلان شود و اگر مخالف با وظایف روزنامه رسمی است در یکی از جراید تهران درج شود بنده علت این که این را اینجا برداشته است نمیدانم چیست.

افتخار الواعظین - حضرت والا گویا آماده پیشنهاد کمیسیون را درست ملاحظه فرموده اند اگر مرکز شرکت در خوش تهران باشد که در یکی از روزنامه جات تهران اعلان میشود و اگر مرکز شرکت در طهران نیست اگر شعبه اش در طهران باشد باز چون شعبه اش در طهران است در یکی از روزنامه های تهران اعلان خواهد شد پس علی ایحال در یکی از روزنامه های تهران اعلان خواهد شد اعم از این که مرکز شرکت تهران یا جای دیگر باشد.

حاج شیخ اسدالله - این که در اینجا مینویسند در یکی از روزنامه جات تهران و این را رسمی میکنند بنده علتش را نمیفهمم طبع و توزیع که شد در تمام مملکت منتشر میشود و مردم تمام اطلاع پیدا میکنند دیگر این که قید بکنند در روزنامه جات تهران مخصوصاً طبع و توزیع میشود بنده علت این را نمیفهمم اگر محض اطلاع مردم است این کفایت میکند و اینهم از وظایف شرکت نامه است که آن ها بجهة اطلاع مردم و بجهة اشخاصیکه میخواهند شرکت بکنند طبع و توزیع بکنند دیگر لازم نیست که مقید بکنند که در یکی از روزنامه جات تهران طبع و توزیع میشود.

محمد هاشم میرزا - البته معلوم است که مقصود از این قانون وسائل استحکام شرکتها است و اسباب انتظام آن ها است و این که در روزنامه درج شود البته بهتر است و این که آقای مخیر فرمودند که بنده اشتباه کرده ام اینطور نیست این که بنده عرض کردم در تهران در يك روزنامه درج شود بواسطه اینست که اغلب معاملات در تهران واقع می شود و از مرکز شروع میشود و اگر در تهران اعلان شود براءتبار شرکت مافزاید.

افتخار الواعظین - در شور دوم نظر حضرت والا را کمیسیون رعایت خواهد کرد.

رئیس - مذاکرات در این ماده کافیست ماده (۱۴) خوانده میشود.

(ماده (۱۴) طرح بپارت ذیل قرائت شد)
ماده (۱۴) - حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن الفاظ دفعن و ممنوع است مگر اینکه تمام شرکاء عدۀ الفاظ حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه شده را در حاشیه قید کرده و امضاء نمایند و الا بکلی از درجه اعتبار ساقط است و این مسئله وقتی است که حك و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن قبل از مراسم ماده نهم و ماده دهم شده باشد ولو اینکه تصدیق بشود آن شرکت نامه بکلی از درجه اعتبار ساقط است.

(رایوت کمیسیون - ماده ۱۴ عیناً تصویب شد)
ارباب کبخسرو - بنده بکلی این جمله را در اینجا زیادی میدانم کفیل از آن که به تبر عدلیه و امضاء وزارت تجارت برسد اگر اصلاحی لازم داشته باشد آن را حك و اصلاح بکنند و تمام شرکاء آن را امضاء بکنند اگر بتمبر عدلیه نرسیده است چه لزومی دارد که آنرا حك و اصلاح بکنند عوض اینکه حك و اصلاح بکنند نسخه را عوض بکنند این چه اشکالی است که اینجا قید بکنیم اصلاً اشکال را بردارند و حك اصلاح نکنند تا این که مجبور شوند همه شان امضاء بکنند ممکن است قبل از امضاء کردن عوض بکنند.

آقا سید حسین اردبیلی - بنده منافاتی نمیبینم که اگر بعد از الصاق تبر عدلیه کم و زیادی کردند دومرتبه بتمبر عدلیه برسانند.

منتصر السلطان - چون دو نظر در این جا اظهار شد یکی نظر آقای ارباب و یکی نظر آقای آقا سید حسین اردبیلی که فرمودند منافاتی نمیبینند در اینکه در صورت کم و زیاد عبارت الصاق تمبر بکنند چون این شرکت نامه قبل از این اصلاح در دفاتر دولتی ثبت شده و بعد که بشوایند حك و اصلاح بکنند در تمبر باید ببرند در دفتر دولت آن وقت در واقع اسباب این میشود که دفتر دولت ضایع بشود و دفتر دولت را خراب بکنند از برای حك و اصلاح يك كلمه پس این نظر را نمیشود تصویب کرد و اما آن نظری که آقای ارباب داشتند البته نظر اساسی است ولی وقتی يك كلمه اضافه میخواهند بکنند این قابل آن نیست که آن ورقه را تمام تغییر و تبدیل بدهند و يك زحمت فوق العاده بکنند که يك نسخه را دو مرتبه بنویسند باین جهت گفته شد که اضافه بکنند یا اگر حك و اصلاحی لازم است بنمایند لکن تمام شرکاء امضاء نمایند.

ارباب کبخسرو - بنده میخواهم از آقای مخیر سؤال کنم که کدامیک از این دو کار مشکل تر است يك صفحه را عوض بکنند یا يك عده عبارت را تمام شرکاء بیاوند پشت كلمه اضافه شده را امضاء نمایند و بخواهند آن نسخه آسان تر باشد و از برای رفع اشکال هم بهتر است.

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد)
رئیس - ماده (۱۵) را بخوانید

(ماده (۱۵) طرح بپارت ذیل خوانده شد)
ماده (۱۵) - مادامیکه مدیری برای آن شرکت معین نشده است هر يك از شرکاء میتواند فقط محض

حفظ و قایم اموال شرکت از خساری در صورت لزوم اقدامات نماید مدلول این ماده را هیچك از شرکاء نمیتواند وسیله قرار داده اقدامات و معاملاتی نماید از حدود اقدامات حافظه خارج است (رایوت کمیسیون) در آخر جزء اول قبل از كلمه نماید اضافه شود حافظه.

هشتم و دی - از این ماده چنین معلوم میشود که هر شرکتی يك مدیری لازم دارد (تنها این ماده هم نیست بعضی مواد بعد هم همین را میفهماند اینجا هم میگوید مادام که مدیری معین نشده همچو میفهماند که مدیر برای هر شرکتی لازم است در این صورت باید بعد مذاکره حکرده به بنیم قبل از این که مدیر معین شود شرکت در خارج منعقد می شود یا خیر تا بتواند یکی از شرکاء در صورت معین نشدن مدیر باره اقدامات حافظه را بنماید.

رئیس - مخالفی در این ماده نیست ؟ (اظهاری نشد).

رئیس - ماده (۱۶) خوانده میشود.
(ماده (۱۶) طرح بپارت ذیل خوانده شد)
ماده (۱۶) - پس از تعیین مدیر اختیارات او از قرار است که در شرکت نامه قید شده است ولی در هر صورت مدیر حق ندارد که بدون اجازه مخصوص شرکاء در خرید و فروش اموال غیر منقوله یا استقراض یا صلح دعوا اقدامی نماید و الا هر نوع خسارتی وارد آید بر ذمه مدیر است (رایوت کمیسیون)
ماده (۱۶) تعیین مدیر و اختیارات و حق او از قرار است که در شرکت نامه قید شده است ولی مدیر حق ندارد که بدون اجازه مخصوص شرکاء در خرید و فروش اموال غیر منقوله یا استقراض یا صلح دعوی اقدامی نماید و الا هر نوع خسارتی وارد آید بر ذمه او است.

ارباب کبخسرو - بنده اینجا تصور می کنم که تعیین مدیر باید در نظامنامه شرکت معین بشود نه در شرکت نامه شرکت نامه برای انعقاد شرکت است و شرایط شرکت را مینویسد بعد نظام نامه مینویسد برای اداره کردن او در آن نظامنامه وجود مدیر را مینویسد که يك مدیری برای شرکت لازم است و اختیارات او را مینویسد.

افتخار الواعظین - تعیین اختیارات مدیر را باندازه کمیسیون لازم میدانست که لازم دانست آن حدود را در شرکت نامه قید بکنند برای اینکه از آن حدودیکه در شرکت نامه قید شده است نتواند تجاوز بکند و معامله بکند که خسارتی وارد شود و اگر معامله بکند خسارت آن معامله بعهده او باشد برای اینکه کمال اهمیت باین مسئله داده شده باشد کمیسیون لازم دانست که در خود شرکت نامه قید شده باشد.

حاج سید ابراهیم - اینجا نوشته شده است که در خرید و فروش اموال غیر منقول حق ندارد اقدامی بکند مگر با اجازه شرکاء خوبست این را مقید بکنیم باینکه مگر در نظامنامه شرکت باو اجازه داده شده باشد و اگر در نظامنامه قید شده است البته میتواند با اجازه ببرد ولی بدون اجازه مخصوص نمیتواند ببرد پس اینکه ما نمی بکنیم او را و

بگوئیم که اجازه مخصوص لازم دارد مادامی است که خارج شده باشد از آن مواردیکه در نظامنامه اختیارات باو داده شده است این نكته باید ملتفت باشند **افتخار الواعظین** - اینجا دو موضوع است که باید آقامتوجه باشند یکی حدود و اختیارات مدیر را بطریق اطلاق کمیسیون باندازه مهم میدانند که باید در خود شرکت نامه قید شده باشد و بعد از آنکه اختیاراتش در شرکت نامه قید شده است معذک سه کار را نمیتواند بدون اجازه شرکاء بکند یکی نمیتواند يك مقداری زمین ببرد بگویند شرکت انبار لازم دارد و این زمینها را خریدیم از برای ساختن انبار شرکت یکی هم نمیتواند برود بجاه هزار تومان قرض بکند یکی هم نمیتواند اگر يك مرافعه بین شرکت و کسی بوده است برود آنرا صلح بکند يك مبلغی از طرف شرکاء برای اینکه اختیاراتش محدود باشد و در این سه امر اختیاری نداشته باشد این است که این سه مسئله بخصوص قید شده است علاوه بر اینکه اختیارات او در شرکت نامه قید میشود.

ارباب کبخسرو - بنده خیلی میل داشتم که مخیر ابتداء يك قدری اطلاعات از تجارت میداشتند و آنوقت اینجا مذاکره میفرمودند فقط این سه فقره مهم نیست خیلی از مواد و فقرات است که باید به مدیر اختیار بدهند یا ندهند حدود مدیر را کسی باید معین کند که مدیر را معین میکنند اینجا يك حدودی را در فوق ذکر کردیم نسبت به حدود شرکاء که مثلاً اگر طلبکاران بخواهند پول بگیرند از شرکاء بگیرند پس شرکاء نسبت بیکدیگر مسئول شدند نزد طلبکاران و مدیر مسئول شده است نزد شرکاء پس حدود آن را شرکاء باید معین کنند در نظامنامه شان و هیچ مربوط به اینجا نیست.

افتخار الواعظین - بنده هیچ تفهیمم اینجا گویا آقای ارباب نظرشان يك مدیری است که خارج از شرکاء است لکن اگر مدیر از شرکاء باشد آنجا چه باید کرد آنجا هم بنده عرض میکنم که بدون اجازه مخصوص شرکاء حق ندارد خرید اموال غیر منقوله کند یا صلح کند یا قرض نماید.

رئیس - گویا مذاکرات کافی است حالا ده دقیقه تنفس داده میشود.
(مجلس بعد از تنفس يك ساعت و پنجاه دقیقه قبل از ظهر افتتاح و پس از بیست دقیقه رسماً تشکیل شد)
رئیس - تقریباً بیست دقیقه میشود که زنك زده شده است و آقایان تشریف نیاورده اند و باین واسطه وقت مجلس تلف شده است از این جهة بعد از اینکه زنك زده میشود هر كس پنجاه دقیقه بیشتر دیر حاضر بشود موافق نظامنامه داخلی اسمش جزء غائبین نوشته خواهد شد.

معاون وزارت مالیه - لایحه است راجع باستخدام سه نفر مستخدم جدید برای وزارت مالیه تقدیم مجلس میشود و تقاضا میکنم که در همین جلسه مطرح شور شود (لایحه مزبور بپارت ذیل قرائت شد).

مجلس محترم شورای ملی - موافق ماده هفتم قانون تشکیلات مالیاتی که در تاریخ ۲۳ جوزای ۱۳۲۹ از مجلس شورای ملی گذشته خزانه دار کل

از وزارت مالیه تقاضا نموده است که سه نفر معاون مالیاتی استخدام نماید. شرایط عمومی استخدام این سه نفر همان شرایط سابقین است و مقرری سالیانه آن‌ها از قرار ذیل میباشد معاون مالیاتی برای تشکیل ژاندارمری کل خزانه سالیانه ۵۰۰۰ دلار - معاون مالیاتی ۳۰۰۰ دلار معاون مالیاتی ۱۵۰۰ دلار جمع کل ۹۵۰۰ دلار مقرری این سه نفر از باب ۶۰۰۰ تومان اعتباریکه موافق ماده هفتم قانون مذکور فوق تصویب شده پرداخته میشود لهذا وزارت مالیه ماده واحده ذیل را پیشنهاد مجلس شورای ملی نموده تقاضای فوریت آنرا مینماید.

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است سه نفر مستخدم مالیه کدو نفر آنها آمریکائی و یک نفر از اروپائی هائیکه در ایران هستند با شرایط عمومی سابقین و مقرری های سالیانه مفصله ذیل استخدام نماید و مقرری آنها از باب شصت هزار تومان اعتباریکه موافق ماده هفتم قانون ۲۳ جوزای ۱۳۲۹ تصویب شده پرداخته میشود معاون مالیاتی برای تشکیل ژاندارمری خزانه پنج هزار دلار - معاون مالیاتی سه هزار دلار معاون مالیاتی یک هزار و پانصد دلار - رئیس - دلائل فوریتش را توضیح بدهید تا اینکه رای بگیریم.

معاون وزارت مالیه - دلائل فوریتش خیلی واضح است چون استخدام این اشخاص برای تنظیم امور مالیه است و هر چه بیشتر سعی بکنیم در استخدام آنها بهتر است از اینجهه تقاضا شده است که بفرورت از مجلس بگذرد.

رئیس - رای میگیریم بفرورت این مسئله آقایانیکه فوریت اینلایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - با کثرت تصویب شد.

معاوضه الملک - اگرچه در ابتدا این تقاضا شد ولی باز هم عرض میکنم که در همین جلسه این لایحه را مطرح مذاکره قرار بدهید که امروز از مجلس بگذرد.

رئیس - در این تقاضا مخالفی هست؟ (اطهاری نشد) - رای میگیریم باینکه این لایحه در همین جلسه مطرح مذاکره بشود. آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند).

رئیس - با کثرت تصویب شد.

(ماده واحده پیشنهاد وزارت مالیه مجدداً قرائت شد).

رئیس - کسی مخالف هست؟

مشیر حضور - بنده میخواستم بیرسم از آقای معاون که این اروپائیهائی که در اینجا مستخدم هستند لابد بموجب کترات خودشان یک مواجی دارند حالا این مواج علاوه بر آنها خواهد شد یا خیر.

معاون وزارت مالیه - از اروپائیها اشخاصیکه در اینجا مستخدم هستند و مواج دارند لابد دارای یک خدمت هستند ولی این از اشخاصی استخدام خواهد شد که کاری ندارند.

رئیس - دیگر مخالفی هست؟ (اطهاری نشد)

رای میگیریم باین ماده واحده که از طرف وزا تنالیه پیشنهاد شده است.

آقایانیکه این ماده واحده را تصویب می کنند ورقه سفید خواهند انداخت (اوراق رای اخذ شده آقای حاج میرزا رضاخان بقرار ذیل شماره نمودند ورقه سفید (۱۲).

رئیس - با کثرت (۱۲) رای از (۱۶) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد شروع میشود بشور در بقیه قانون شرکتها از ماده (۱۷) (ماده ۱۷ طرح قانون بعبارت ذیل قرائت شد) اختیارات مدیر و انبوتان بطور کلی و مهم معین نمود تمام شقوق اقدامات و معاملاتی که در حدود وظائف او است باید بطور صحیح و واضح در شرکت نامه معلوم شود.

(کمسیون پیشنهاد کرده بود که بعد از کلمه (مدیر) کلمه (یامدیران) اضافه شود و لفظ صحیح بلفظ (صریح) تبدیل شود).

لواء الدوله - عرض کنم اختیار مدیر در نظامنامه داخلی معین خواهد شد بجهت این که در خصوص اختیار مدیر یامدیرا مثل اینکه در قانون اساسی همینقدر مینویسد که مجلس یک هیئت رئیسه دارد و موافق نظامنامه داخلی خودش آنرا معین میکند و همچنین سایر ترتیبات دیگر خودش را که راجع بنظم داخلی خودش است در اینجا هم همینقدر باید بنویسد که اختیارات مدیر یامدیران در نظامنامه داخلی شرکت معین خواهد شد.

رئیس - این از موضوع خارج است راجع باده (۱۶) است دیگر مخالفی هست؟ (اطهاری نشد) ماده (۱۸) خوانده میشود (ماده (۱۸) طرح بعبارت ذیل قرائت شد) مدیر یامدیران شرکت باید افلا در رأس هر ششماه صورتی از قروض و دارائی و مطالبات شرکت ترتیب داده و تمام معاملاتیکه در ظرف مدت مزبوره شده است بطور راپورت بشرکاء بدهند و الا مسئول خواهند بود و هر یک از شرکاء حق دارند بتوسط محاکم عدلیه صورت را مطالبه نمایند و اگر در این باب مخارجی بشود بر عهده مدیر یا مدیران است.

(کمسیون پیشنهاد کرده بود که بعد از کلمه (راپورت) اضافه شود (اجمالی بشرکاء بدهند و در رأس هر سال راپورت مفصل باید بدهند تا آخر ماده) و لفظ (محاکم) حذف شود).

حاج سید ابراهیم - بنده گمان میکنم که بجای (افلا) باید نوشته شود (نهایت) بجهت این که بسامین در نظامنامه داخلی شرکت بنویسند که سه ماه بسمه راپورت باید بدهند پس در اینجا باید کلمه نهایت نوشته شود که اگر کمتر از این در نظامنامه داخلی نوشته شود منافاتی نداشته باشد.

بهجت - قید خواهد شد در اینجا که مدیر افلا در هر شش ماه مدیر باید یک صورتی بدهد و چون این شرکت شرکت خصوص است و ممکن است که شرکت نظر باین که کارشان کار فلاحی است ممکن نباشد در ۶ ماه صورت بدهند مگر این که یک سال بشود و از این جهت در شراکت نامه های خودشان قید بکنند یک ساله صورت حساب داده شود پس در این جای نمیتوانیم قید بکنیم که حتماً باید در رأس هر ۶ ماه صورت بدهد برای این که

مانیتوانیم در قانون جلوگیری بکنیم از یک قرارداد که شرکاء بآن راضی میشوند برای منافع خودشان دیگر این که بنویسند در صورتیکه یکی از شرکاء صورت حساب شرکت را بتوسط وزارت عدلیه بخواهد اگر از این باب مخارجی بشود بر عهده مدیر است و چون این یک تعمیلی بر مدیر خواهد بود بهتر این است که در این جا نوشته شود که ابتداء از خود او صورت را مطالبه کنند در صورتیکه امتناع بکنند رجوع بمحاکم میشود و در آن صورت مدیر باید از عهده خسارت بریاید والا ممکن است یکی از شرکاء برای این که یک ضرری بپذیرد وارد پیارود بوزارت عدلیه تظلم نماید و صورت را بخواهد در صورتیکه خود مدیر شاید امتناع نداشته باشد از صورت دادن و در این صورت نمیتوانیم تحمیل بکنیم بر مدیر که مخارج آن را بدهد مقصود این است که این قید باید بشود.

افتخار الواعظین - این بدیهی است که هیچ یک از شرکاء بدون این که ابتداء بمدیر اظهار بکنند و صورت بخواهند و بدون استکفاف او از دادن صورت یک مرتبه بعدی رجوع نخواهند کرد بلکه این در صورتی است که یکی از شرکاء موافق این قانون و فرداد خودشان باو اظهار بکنند که شما باید یک صورتی را تمام معاملات و کارهای شرکت بمن بدهید و او از دادن صورت استکفاف بکنند در این صورت رجوع میشود بعدی و باین ترتیب هم بدیهی است که هر مخارجی از این بابت بشود بر عهده مدیر است و او باید از عهده آن بریاید.

محمد هاشم - بنده ایرانی که دارم در راپورت کمسیون است آقای مخبر از اصل مطلب دفاع کردند و از فرمایش ایشان همچو فهمیده میشد که در صورت استکفاف مدیر از دادن صورت رجوع بمحاکم عدلیه خواهد شد و لفظ محاکم لازم است که در این ماده باشد ولی در راپورت کمسیون نوشته شده است که با حذف لفظ (محاکم) میخواستیم این را توضیح بدهیم که مقصودشان چیست.

رئیس - مقصودشان این بوده است که (محاکم عدلیه) نوشته نشود (عدلیه) نوشته شود

ارباب کیخسرو - بطوریکه ابتداء عرض کردم حالا هم عرض میکنم که اینها چیزهائی است که باید در نظامنامه که برای شرکت نوشته میشود معین بشود برای اینکه در شرکتها یک شرکتی است که باید هفته به هفته صورت معاملات و کارهای او را بدهند یکی هست که سال بسال باید بدهند یکی هست که شش ماه به شش ماه باید بصورت بدهند و حدود این مطالب باید در نظامنامه شرکت معین بشود دیگر اینکه ما نباید فقط نظر بخارج بکنیم و ببینیم که در آنجا چه ترتیب معقول است ما باید نظر باین مملکت هم بکنیم و یک چیزی را بنویسیم که بمقتضیات این مملکت هم نزدیک باشد و اگر این قانون برای تجارت است باید بمناسبت امور تجارتی قانون نوشته شود اشخاصیکه با یک شرکتی طرف هستند هیچ کار ندارد باینکه مدیر چه میکند طرف هستند با شرکاء و مدیر هر کاری که میکند از روی دستور العملی است که از طرف شرکت باو داده میشود و بنده اگر چه در اصل این مطلب هم مخالف بودم در اینکه

مدت را هم در اینجا معین کرده اند خصوصاً مخالفم و هیچ موافقت با این ماده ندارم.

منتصر السلطان این مسئله کاملاً صحیح است که این مواد باید جزء نظامنامه شرکت نوشته شود ولی یک علت و نظر کمسیون این را قبول کرده است که در جزء قانون نوشته شود چنانکه در بعضی از ممالک دیگر هم جزء قانون است و آن این است که امروزه مبدانید ترتیب مدیرها و اشخاصیکه داخل میشوند در یک شرکت و ست مدیری پیدا میکنند آن اختیاراتی که برای آنها معین میشود همینکه داخل شدند خیلی از وظائف خودشان خارج میشوند و بزرودی آن شرکت را نیست و نا بوند میکنند پس از برای جلوگیری آنها و از برای اینکه اشخاصیکه داخل امور تجارت هستند کم کم عادت بکنند ترتیبات قانونی و اسباب اطمینان بشود باین مناسبت اینرا کمسیون متقاعد شد که در این قانون نوشته شود تا اینکه وزارت تجارت بتواند جلوگیری از این مفاسد بکند و اگر بواسطه این قسم از کارهای مدیر یک خسارتی ولو جزئی هم باشد بر شرکت وارد بیاید باید او از عهده بر بیاید وقتی هم که در نظامنامه داخلی شرکت نوشته بشود باز هم مانع از این نیستیم بگوئیم باید آنرا به تبر عدلیه برسانند و بنظر وزارت تجارت برسد از اینجهت مانع از این نیستیم بقتضیات حال امروز مملکت و برای حفظ مال تجارت ایرانی که مملکت شرکت عمومی که بدیم چه قسم مال مردم از بین رفت و حال اینکه نظامنامه هم برای خودشان نوشته بودند و خیلی محکم هم نوشته بودند مال مردم تقریباً بشود کمسیون هم صلاح دانست که اگر چه اینها باید جزء نظامنامه داخلی شرکت نوشته نشود ولی باین ملاحظه و این عللی که عرض شد بهتر اینست که جزء قانون نوشته شود.

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) ماده (۱۹) خوانده میشود (ماده (۱۹) طرح بعبارت ذیل قرائت شد) مدیر یا شر یکی که در معاملات و اقدامات راجعه بشرکت از حدود اختیارات معینه خارج شده باشد تأدیه وجه معامله بر ذمه خود اوست.

(کمسیون این قسم پیشنهاد کرده بود).

ماده (۱۹) مدیر یا شر یکی که در معاملات و اقدامات راجعه بشرکت از حدود اختیارات معینه در شرکت نامه خارج شده باشد در صورتیکه شرکاء آن معامله را تصویب نکنند این معامله بعهده خود او خواهد بود.

رئیس - مخالفی هست؟ (اطهاری نشد)

ماده (۲۰) قرائت میشود.

(ماده (۲۰) طرح بعبارت ذیل قرائت شد) شرکاء میتوانند در شرکت نامه هر نوع شرایطی که میخواهند قرار دهند بشرط اینکه آن شرایط ناقض مدلول مواد فوق نبوده اختیارات مدیر را زیاده بر آنچه معین شده است توسعه بدهند (کمسیون این قسم پیشنهاد کرده بود).

ماده (۲۰) شرکاء میتوانند در شرکت نامه هر نوع شرایطی را که میخواهند بشرط اینکه آن شرایط ناقض مواد این قانون شرکت نباشد.

رئیس - مخالفی هست؟ (اطهاری نشد) مخالفی نیست ماده (۲۱) خوانده میشود.

(ماده (۲۱) طرح بعبارت ذیل قرائت شد) مدیر شرکت بدون اجازه مخصوص شرکاء حق ندارد طرف معامله بشرکت واقع بشود (کمسیون این ماده فوق را عیناً تصویب کرده بود).

رئیس - مخالفی هست؟ (اطهاری نشد) کسی مخالف نیست ماده (۲۲) خوانده میشود.

(ماده (۲۲) طرح بعبارت ذیل قرائت شد) اگر بعد از انعقاد شرکت نامه بعضی تغییراتی بخواهند در مواد آن بدهند شرایط مواد باید رعایت شود.

(اولاً) وقوع تغییرات باید در شرکت نامه اولی قید شود.

(ثانیاً) اگر شرکت نامه اولی مصدق بوده است شرکت نامه دومی هم باید مصدق شود.

(ثالثاً) مراسم ماده یازدهم باید بعمل بیاید (کمسیون این قسم پیشنهاد کرده بود).

ماده (۲۲) اگر بعد از ترتیب شرکت نامه بعضی از شرکاء تغییراتی بخواهند در مواد آن بدهند شرایط ذیل باید رعایت شود (اولاً) اختیار تغییر باید در شرکت نامه اولی قید شده باشد والا تغییر باید برضایت جمع آنها باشد الی آخر ماده و در جزء ثالث پیشنهاد کرده بود که نوشته شود مراسم ماده (۱۱) در غیر مصدق باید بعمل بیاید.

هشرو دی - این عبارت یک اصلاحی لازم دارد که باید خود کمسیون بکند و آن اینست که این اولاً یک ثانیاً و ثالثاً هم لازم دارد.

بهجت - اگر بعد از انعقاد و شرکت و نوشتن شرکت نامه بعضی از شرکاء بخواهند تغییری بدهند حق دارند اما در صورتی که سایرین را م متقاعد کرده باشند و اینجا از لفظ بعضی هیچ مقصود فهمیده نمیشود.

رئیس - لفظ بعضی اینجا نوشته نشده بلکه نوشته شده است اگر بعضی تغییراتی بخواهند شرکاء بدهند (گفته شد در راپورت نوشته شده است).

افتخار الواعظین - مراد از بعضی این است که اگر تمام شرکاء بخواهند در یک جا جمع بشوند و یک تغییری در شرکت نامه بدهند محققاً اختیار دارند ولی اگر یک نفر از آن ها بخواهد تغییری بدهد باید مراعات مواد ذیل را بنماید.

آقامیرزا احمد - آن اولاً کدر راپورت نوشته شده است چون ثانیاً و ثالثاً طرح هم باو منضم میشود دیگر ثانیاً و ثالثاً لازم ندارد بجهت رفع ایراد آقای هشرو دی عرض کردم.

آقاشیخ ابراهیم - اینجا گویا اشتباهی شده است مقصود این نیست که بعضی شرکاء بخواهند تغییری بدهند بلکه مقصود این است که اگر تمام شرکاء نه بعضی از آنها بخواهند بعضی تغییرات بدهند باینکه این قیود را مراعات بکنند یعنی در آن شرکت نامه اولی قید کرده باشند که این مواد را ممکن است تغییر بدهند و هم چنین اگر آن شرکت نامه مصدق بوده این شرکاء ثانیاً را هم مصدق بکنند

ثالثاً هم مراسم ماده (۱۱) را بعمل یآورند و اینجا گویا در عبارت تقدیم او تأخیری شده است

منتصر السلطان - همین قدر که فرمودند در عبارت تقدیم و تأخیر شده است و اصل عبارت این بوده است که شرکاء بعضی تغییراتی بخواهند در مواد بدهند در نوشتن کلمات مقدم و مؤخر شده است.

حاج سید ابراهیم - همان طوری که در راپورت نوشته شده است صحیح است و هیچ تقدیم و تأخیری هم نشده است مراد بعضی از شرکاء است و از این جهت هم نوشته شده است که وقوع تغییرات باید در شرکت نامه اولی قید شده باشد و الا اگر تمام شرکاء راضی بشوند که بعضی تغییرات در شرکت نامه خودشان بدهند دیگر لازم نیست کدر شرکت نامه اولی این قید را کرده باشند رضایت آن ها کافی است و حق دارند اگر چه در شرکت نامه هم قید نشده باشد.

منتصر السلطان - اگر یک شرکتیکه اعضاء آن ده نفر یا بیست نفر است یک نفر یا دو نفر از آن ها بخواهند بعضی تغییرات بدهند اکثریت که با آن ها نشده است چگونه میتوانند تغییرات بدهند این مثل اینست که بگوئیم سه نفر از این ها میتوانند بروند در وزارتخانه و مجبور بکنند سایرین را که شما حتماً باید این تغییرات را که ما میخواهیم بدهیم قبول بکنند و این مخالف قوانین مشروطیت است چگونه میتوانند سه نفر ده نفر را مجبور بکنند که شما حتماً باید رای مرا قبول بکنید

رئیس - دیگر گویا مخالفی در این ماده نیست (گفتند خیر)

شور در بقیه این قانون از فصل دوم میماند برای جلسه دیگر حالا بکنفره راپورت کمسیون بودجه است خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) لایحه وزارت مالیه راجع بورات میرزا اسمعیل و سید حسن مجاهد که در سه ماده هنگام انقلابات طهران قتل رسیده اند قرائت گردید نظر باینکه در آن نفر مجاهد مقتول مزبور پیرشان و مستأصل هستند وزارت دالیه مقرر میدارد بشرح ذیل حقوقی بورات این دو نفر پرداخته شود.

ماده (۱) وراث میرزا اسمعیل مجاهد مقتول چهار تومان (۱) پدر دو تومان (۲) مادر یک تومان (۳) جده - یک تومان - مادام الحیات ماهیانه داده میشود.

ماده (۲) وراث سید حسن مجاهد مقتول هشت تومان ۱ - سه نفر اولاد صغیر از قرار دو تومان ۶ تومان ۲ - مادر یک تومان ۳ - عیال یک تومان مادام الحیات ماهیانه داده میشود.

کمسیون بودجه مطابق دوماده فوق با کثرت رای داده پیشنهاد مجلس مقدس مینماید.

ارباب کیخسرو - در اینجا نوشته شده است که بواسطه انقلابات سه ماضیه این راپورت گویا مدتیست نوشته شده و در این مدت نمیدانیم در کمسیون بودجه مانده است یا جاهای دیگر باینکه در نوشتن اشتباه شده است.

رئیس - این راجع باده نیست در مقدمه نوشته شده است و ما باده رای میگیریم.

ارباب کیخسرو - صحیح ولی چون مقدمه

خوانده شد خواستم توضیحی بدهم که رفع اشتباه بشود.

رئیس - سابق پیشنهادی شده دیگر گویا مغالطی نیست (گفتند خیر) - پس رای میگیریم آقابانکه آن راپورت کمیسیون بودجه را تصویب میکنند ورقه سفید پندازند اوراق رای اخذ شده آقای حاج میرزا رضا خان آنها را بعد ۴۶ ورقه سفید شماره نمود.

رئیس - با اکثریت ۴۶ رای تصویب شد - دستور جلسه آینده - بقیه شور اول از قانون شرکت های تجاری - راپورت کمیسیون بودجه راجع به حسن خان مغالطی هست.

لواءالدوله - درخصوص ادیب کرمانی از کمیسیون بودجه.

لايه که از وزارت مالیه آمده است گذشته است چون این شخص مدت یکسال است که از وزارت مالیه در خصوص او نوشته اند و خیلی هم زحمت کشیده است در راه مشروطیت و استحقاق هم دارد از این جهت استدعا میکنم که در جلسه دیگر جزء دستور بگذارند.

رئیس - يك فقره راپورت کمیسیون بودجه جزء دستور حسنه آمده است ایضا میگذاریم از برای جلسه دیگر.

حاج شیخعلی - دایمورتی از کمیسیون معارف آمده بود برای تأسیس مدارس ابتدائی و رجوع شد بکمیسیون بودجه چون چیزی در دستور نداریم خوبست او را هم جزء بکنید.

رئیس - از کمیسیون بودجه هنوز راپورت نداده اند تأکید شده است هر وقت راپورت آنرا دادند جزء دستور میشود.

ارباب کیخسرو - بنده همان عرضی را که در آن جلسه کردم تکرار میکنم که خوبست ما آن تلگراف اردبیل را دومرتبه نگاه بکنیم و ببینیم چه برسر آن بیچاره ها وارد آمده است و امروز هم در اینجا خوانده شد.

و رجوع شد بکمیسیون داخله خود حضرت عالی فرمودید که در جلسه دیگر راپورت آن داده خواهد شد آخر آن بیچاره که به مجلس تلگراف میکنند يك مقصودی دارند و در مجلس خواندن هم برای اخذ يك نتیجه است از این جهت تقاضا میکنم که تأکید بفرمایید که زودتر راپورتش را بکمیسیون داخله بدهند که ببینیم چه فراری در اینخصوص داده اند.

رئیس - بعد از همان جلسه که تلگراف در مجلس قرائت شد کمیسیون داخله منعقد شده بود ولی موفق نشده بودند که وزیر داخله یا معاونان را ملاقات بکنند و تاویر و معاونان را هم نبینند و ببینند که چه فراری در این باب گذاشته اند کمیسیون نمیتواند راپورت بدهد باز هم تأکید میشود که وزیر داخله بیايد توضیحات بدهد تا این که کمیسیون مسبوق بشود و راپورت آن را به مجلس بدهد.

افتخار الواعظین - بعضی سئوال ها است بنده از وزارت خانه ها کرده بودم و تا بحال آقابان وزراء برای جواب ها حاضر نشده اند مخصوصاً در باره قشون ساخنو خراسان سئوالی کرده ام می خواستم استدعا کنم که اطلاع داده شود که بیایند جواب بدهند.

رئیس - تأکید میکنم بیایند - و اب بدهند مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم شد.

جلسه ۲۷۰

صورت مشروح روز شنبه ۱۱ شهر رجب المرجب ۱۳۲۹ مطابق ۱۶ سرطان

رئیس آقای مؤمن الملك سه ساعت و ربع قبل از ظهر بصندلی ریاست جلوس فرمودند و سه ساعت قبل از ظهر مجلس رسماً افتتاح شد صورت جلسه روز پنج شنبه را آقای آقا میرزا رضا خان نائینی قرائت نمودند.

غائبین بدون اجازه جلسه قبل - ناصر الاسلام ادیب التجار - حاج وکیل الرعایا - حاج امام جمعه با اجازه دکتر رضا خان - حاج محمد کریم خان - دکتر لقمان - آقا میرزا ابراهیم خان صدر العلماء آقاسید محمد رضای شیرازی - دکتر اسمعیل خان

رئیس - در صورت مجلس ملاحظه هست.

ارباب کیخسرو - در ماده ششم که بنده عرض کردم هر نسخه از آن شرکتنامه در نزدیکی از شرکاء باشد بر طبق آن پیشنهادی هم کردم و هیچ ذکری از آن نشده است.

رئیس - پیشنهاد فقط یکی نبود پنج شش فقره بود ولی وقتی که مذاکرات در مواد کافی شده هیچ کدامش خوانده نشد و قتیکه ماده را میخوانند باید پیشنهاد را قبل از آن که مذاکرات در آن کافی بشود فرستاد و چون قرائت نشده ذکر نشده دیگر ملاحظاتی هست؟ اظهار شد خیر.

رئیس - صورت مجلس تصویب شد دستور امروز بقیه شور قانون شرکاتها تجاری راپورت کمیسیون بودجه راجع به حسن خان شروع میکنیم بقانون شرکتهای تجاری از ماده ۲۳.

(فصل دوم شرکت مختلفه سهامی)

ماده ۲۳ - شرکت مختلفه مابین چند نفر ضامن جامع و مسئول بلاحد و چند نفر شرکت دیگر که مسئولیت و ضمانت آنها محدود بعضه آنهاست منعقد میشود.

ماده ۲۴ - از راپورت کمیسیون - بجای کلمه (جامع) کل نوشته شود و بعد بتوان تبصره این شرکت میشود دارای دو شرکت نامه قانونی بوده باشد.

اول - شرکت نامه میان چند نفر ضامن کل و مسئول مثل شرکت نامه شرکت خصوصی و دوم شرکت نامه میان آن هیئت و میان شرکاء که مسئولیت آنها نسبت بعضه خود آنهاست و می شود از اول امر يك شرکت نامه میانه جمیع منعقد شود و در شرکت نامه زمان و مسئولیت نسبت بعضی شرط شود

رئیس - در ماده ۲۳ - از راپورت کمیسیون کسی مخالف هست؟ (اظهاری نشد).

رئیس - پس ماده ۲۴ خوانده میشود (بترتیب ذیل قرائت شد).

ماده ۲۴ از طرح چون مسئولیت شرکاء قسم دوم محدود به سهم آنهاست اگر شرکت بیش از دارائی مفروض شود از این بابت برعهده آنها چیزی متصور نیست فاضل آن بر ذمه شرکاء مسئول است - راپورت کمیسیون ماده ۲۴ عیناً تصویب شد.

رئیس - کسی مخالف نیست (اظهاری نشد).

و فقط یکمدیری است که بتعین مجلس شرکاء معین شده است برای دخالت کردن اگر او حق دخالت بیکی از شرکاء غیر مسئول بدهد نمیتواند به مقتضای وکالت او برود معامله بکند و اما اینکه فرمودید حق تفتیش و نظارتش باید محدود باشد خیر این قسم نباید باشد برای حفظ حقوق آن اشخاصی که در این شرکت با مؤسین شرکت کرده اند و برای حفظ حقوق آن اشخاصی که با این شرکت طرف معامله شده اند و پول بقرض اینها داده اند خوبست تفتیش و نظارت را بلاحد قرار بدهند که هر وقت شرکاء غیر مسئول میل داشته باشند بروند و دفتر و صندوق و دارائی شرکت تفتیش بکنند حق داشته باشند اگر محدود کردند بنده عیدم این است که اسباب زحمت شرکاء غیر مسئول و اشخاصی که طرف معامله با شرکت شده اند خواهند شد.

آقا سید حسن مدرس - ظاهر آن نسخه را که ما بدیم لفظ (ولو) را (مگر) کرده بودند مگر اینکه از طرف مدیر یا شرکاء وکالت داشته باشند.

معین الرعایا - اینکه فرمودید بنده ملتفت بودم که در کمیسیون لفظ (شرکاء) را حذف کرده اند اما این حق را هم باید مخصوصاً تعمیم داد بواسطه اینکه کمتر ممکن میشود که شرکاء جمع بشوند و یکی را حق بدهند برای دخالت يك وقتی اقتضا میکند که مدیر بکفر از همین شرکاء غیر مسئول را وکالت بدهد که يك معامله را بکنند از این جهت این حق هم باید بدین داده شود آن حق تفتیش را هم بطوریکه آقای مخبر فرمودند نمیشود بشمار شرکاء همچو حق بدهند بجهت اینکه هر يك نفری که ه تومان داده بخواهد بیاید تفتیش بکند و اسباب درد سر مدیر یا سایر شرکاء باشد کلیه در تفتیش برای شرکاء باید حق معینی باشد و الا ممکن نیست که هر يك از شرکاء در هر موقعی که بخواهند بروند تفتیش بکنند این ترتیب ممکن نخواهد بود و يك چنین حق بنام شرکاء نمیشود داد.

افتخار الواعظین - این مملو مست در نظامنامه که شرکاء بین خودشان می نویسند البته ترتیب تفتیش و نظارت را معین خواهند کرد همچو مطلق نخواهند گذاشت که هر شریکی که صد تومان داده باشد هر گاه برود رسیدگی و تفتیش میکند ولی بنده عرض میکنم که این حق را نباید محدود کرد این حق را باید بآنها داد که ۴ ماه یا کمتر به موافق آنچه در نظامنامه معین میکنند آن حق را داشته باشند که بروند تفتیش و نظارت بکنند.

ارباب کیخسرو - آن بیاناتیکه آقای مخبر فرمودند در مسئله تفتیش این ماده این قسم میفهماند پس اگر مقصودشان همان است که در حدود نظامنامه شرکاء مسئول یا غیر مسئول حق داشته باشند بروند تفتیش بکنند خوب است در اینجا اشاره بشود مطابق نظامنامه و الا اگر آن اینجا اشاره نشود این يك دست آویزی میشود برای شرکاء که هر ساعت اسباب زحمت بشوند.

آقا محمد بروجردي - اینکه می نویسند اولو اینکه از طرف مدیر یا شرکاء وکالت داشته باشند معنیش را بنده نمیفهمم و عرض میکنم که مدیر

تأسیس يك شرکتی ولی قرار داده اند که تمام این سرمایه از خودشان و از سایرین بطریق سهام گرفته شود حالا شرایطی دارد که مؤسین بیش از صد و باید اقلاً از بیلیط ها و سهام بردار این خارج از مطلب است ولی مبتنی شرکت هیچ پول نقد نبوده است بلکه اسهامی بوده است که فروخته شده است تنها همان اسهام را خریده اند اهم از اینکه مؤسین بردارند یا سایرین این را میگویند شرکت محدود سهامی اینجا این شرکت مختلفه است این شرکت مختلفه مراد از چنین شرکت که در اصلاح کمیسیون نوشته شده است عرض کردم چند نفری جمع میشوند پولی میگذارند و مابقی سرمایه را از دیگران پول نقد باید بگیرند در مواد ۶ الی ۲۲ در شرکت خصوصی گفته شده که شرکت نامه را باید بوزارت تجارت و عدلیه ببرند مصدق بکنند و غیر ذلک درباره این شرکت مختلفه باید مجری شود.

آقا شیخ ابراهیم - عرض کردم مجری است صحیح نیست باید نوشته شود شرایط تشکیل شرکت مختلفه همان است که در مواد ۶ الی ۲۲ ذکر شده.

رئیس - پس خوب است يك چیزی بنویسید پیشنهاد کنید که بفرستیم بکمیسیون ماده ۲۶ ماده ۲۶ طرح - شرکاء غیر مسئول بهیچوجه حق ندارند در اداره کردن شرکت دخیل شوند یا بر یک شرکت معامله نمایند و کلیه حق هیچ نوع مداخله در امور شرکتی ندارند ولو اینکه از طرف مدیر یا شرکاء وکالت داشته باشند حق آنها فقط رسیدگی و تفتیش و نظارت در عمل شرکاء مسئول است راپورت کمیسیون ماده ۲۶ با حذف کلمه یا شرکاء بعد از مدیر عیناً تصویب شد.

رئیس - در ماده بیست و ششم مغالطی هست (آقا شیخ ابراهیم - پیشنهادی کرده ام)

معین الرعایا - اینجا می نویسند که (شرکاء غیر مسئول بهیچوجه حق ندارند در اداره کردن شرکت دخیل شوند یا برای شرکت معامله نمایند و کلیه حق هیچ نوع مداخله در امور شرکتی ندارند ولو اینکه از طرف مدیر یا شرکاء وکالت داشته باشند این را بنده صحیح نمی دانم بجهت اینکه ممکن است بیش از شرکاء غیر مسئول اشخاص لایقی پیدا شوند که شرکاء و مدیر نخواهند بآنها کار بدهند یکی هم اینکه می نویسند (حق آنها فقط رسیدگی و تفتیش و نظارت در عمل شرکاء مسئول است) آنرا هم باید معین بکنند که چگونه این حق را دارند این نمیشود که هر وقت هر کس بخواهد هر قسم حق رسیدگی و تفتیش داشته باشد بایست حد تفتیش آن ها هم معین شود

افتخار الواعظین - همین علتی که فرمودید کمیسیون هم لفظ (و یا شرکاء) را حذف کرده است یعنی اگر چنانچه تمام شرکاء مسئول جمع شدند و بیکی از شرکاء غیر مسئول وکالت دادند آن وقت حق دخالت را دارد در خود قانون دارد (ولو اینکه از طرف مدیر یا شرکاء بهیچ جهت کمیسیون لفظ - (و یا شرکاء) را حذف کرده است بملت اینکه اگر شرکاء مسئول بیکی از شرکاء غیر مسئول وکالت بدهند که برو فلان معامله را بکن بدین معنی است که او میتواند برود آن معامله را بکنند ولی مدیر که از شرکاء مسئول نیست

فی الواقع يك گماشته و وکیل از طرف شرکاء نباید خرید و فروش و کیفیات راجعه بآنها اداره بکنند خود شرکاء مسئول که صاحب مال هستند اگر يك وکالتی بدهند به شرکاء غیر مسئول که دخالت در امور بکنند این منافات با وکیل اولی ندارد و بعد هم خود آن مدیر را وکیل کرده اند که امور اداره را اجرا بدارد مدیر که نمیتواند تمام جزئیات امور را خودش برسد اداره کردن این معنی نیست بلکه اگر بيکی از شرکاء غیر مسئول را کافی بداند و او را جزء اعضاء خودش یا معاون خودش کرده باشد این هیچ مانعی ندارد مگر اینکه قید بکنند که در وکیل و دخالت دادن غیر حق نداشته باشد و الا چه مدیر و چه شرکاء مسئول اگر از شرکاء غیر مسئول را بخواهند دخالت در کار بدهند بعقیده بنده مانعی ندارد

افتخار الواعظین - گویا آقا توجیه برایش اولیه بنده نفرمودند بنده عرض کردم کمیسیون لفظ (و یا شرکاء) را حذف کرده است یعنی اگر شرکاء مسئول وکالت بدهند بيکی نفر از شرکاء غیر مسئول که شما بروید فلان معامله را بکنید او حق معامله دارد اینجا فقط مراد مدیر است مدیر از شرکاء مسئول نیست و ضرر و نفعی اگر اینجا وارد بشود بعقیده شرکاء غیر مسئول است مثلاً بيکی از شرکاء غیر که فقط صد تومان شرکت کرده است باو میگوید بروید فلان زمین را بفروشید او هم بفروشد بنده معلوم میشود که يك ضرر فوق العاده برای شرکت حاصل شده است باو میگویند برای چه شما این معامله را کرده اید می گوید برای اینکه مدیر بمن حق داده است و حال آنکه خود او را معین کرده اند برای اداره کردن امور شرکت او خودش حق ندارد این کار را بکند اگر بخواهد این حق را بدهد باید با اجازه شرکاء مسئول بدهد و آنچه را که او ابواب فرمودند که باید معین کرد که نظارت و تفتیش بموجب نظامنامه است این ماده میخواهد که حدود شرکاء غیر مسئول معین کند نمیخواهد حدود تفتیش و نظارت را معین نماید میخواهد بگوید آن اشخاصی که مسئول هستند آنها بیکیکه مؤسین هستند آنها حق دخالت دارند ضرر و خسارت بعقیده آنهاست شرکاء غیر مسئول حق دخالت ندارند حتی که برای آن ها هست این است که بروند تفتیش و نظارت بکنند حالا حق تفتیش که میدهد البته موافق نظامنامه ای است که بین خودشان خواهند نوشت و معین خواهند شد.

حاج وکیل الرعایا - اینجا اگر عبارت به همین قسم که در این ورقه مندرج است باقی بماند گمان میکنم يك سهولتی در کار شرکت ها داخل نکرده باشد علاوه تولید يك زحمتی هم کرده باشد که هیچ شرکتی در این مملکت فراهم نباشد و قبل از یکسال منقض خواهد شد ترتیب تفتیش در کارهای اداری خارج از دو قسم نیست قسم صحیحش این است که تفتیش دائمی باشد که بکفر معین را بابت انتخاب اعضای شوروی عمومی انتخاب شده و در آن اداره هست و همه روز آن کارهای اداری را تفتیش میکنند این يك ترتیب تفتیش است يك ترتیب تفتیش هم ممکن است که به شعب اینکار را بخواهد تفتیش بکند در يك موقعی آن شخص را که انتخاب میکنند و از معنی

میشود در یکی از شعب و تفشیش خود را میکند و بر میگردد و با اطلاع هم ندارد و انتخاب یک همچو مفتشی هم با مفتش کل است کادر مرکز است دیگر با افراد آن اعضا یا سرمایه دارانیکه ممکن است هزار تومان یا صد هزار تومان داده باشند که یک همچو اختیاری در هیچ شرکتی در هیچ اداره نمی تواند باشد که آنها هر وقت هر کدام یک فراغتی پیدا کردند بایند این اداره را تعطیل و تفشیش بکنند و برگردند هیچ چیز دیگری ممکن نیست باین جهت بنده عرض میکنم که این ماده لابد برای شور دوم بکمسیون بر میگردد و بنده یک پیشنهادی می کنم که ترتیبش را اینطور قرار بدهند و الا این وضع حاضره که حالا دارد هیچ ممکن نیست که یکسال در ایران بتواند دوام بکند.

افتخار الواعظین - با وضع حاضره که میفرمایند بنده هم عرض میکنم با وضع حاضره و این شرکت هائیکه تاکنون تشکیل شده است و این نمایش هائیکه تاکنون داده اند و امتحانات و تجربیاتی که به مردم بیچاره داده اند اگر شما بشرکاء حق تفشیش و نظارت ندهید احدی اعتماد اینکه پول خود را بیارود داخل سرمایه شرکت و شراکت بکنند ندارد ابداً قبول نخواهد کرد و بجه اعتمادی کند پس از آنکه سرمایه شرکت صحیح و درست است و موافق قانون رفتار میکنند چه ضرر دارد که شما بشرکاء غیر مسئول برای اطمینان آنها حق تفشیش و نظارت بدهید بیک نفر از شرکاء بیاید بگوید آقا من میخواهم دفتر شما را به بیم فرض شما را بدانم معاملات شما را مطلع شوم صندوق شما را به بیم اگر این اطمینان و اعتماد را بشرکاء ندهند احدی حاضر نخواهد شد که پول خودش را داخل این شرکت بکند.

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد اصلاحی از طرف آقای زنجانی پیشنهاد شده است قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۲۶ چنین اصلاح شود شرکائیکه مسئول بلاحد نیستند حق ندارند در اداره کردن شرکت و سایر امور دخیل شوند و مدیر و شرکاء مسئول نیز حق توکیل آنها را نخواهند داشت فقط حق آنها نظارت و تفشیش دو اعمال شرکاء مسئول است.

افتخار الواعظین - اینجا چون حق نظارت شرکاء را بر مبادر اگر آن لفظ را بر دارند بنده قبول میکنم.

آقا شیخ ابراهیم - اولاً آن مذاکراتی که شد تاسیس شرکت ها اساسی دارد که باید آن را ملاحظه کرد این حرفها اینجا چندان مربوط به این مسئله نیست تاسیس شرکتها این است کسانیکه اداره و معامله میکنند آنها را میگویند شرکاء مسئول و اداره کردن متلازم با مسئولیت میگویند شرکاء مسئول اداره کردن متلازم است یا آنها کسانیکه پول داده اند حاضر نمیدانند باشد ببرند ضرر شد نخواهد برد اینجا را صاحبان اسهام می گویند کدر خارج باشند این است که گفتیم (قسمت دوم شرکاء) پس اداره کردن متلازم است با مسئولیت و این عبارت که ولو این که وکالت داشته باشند هم

صحیح نیست چرا بجهت این که میفرساند که می تواند وکیل باشد و بعد از وکیل شدن حق ندارد رسیدگی میکند این است که باید نوشت که از ابتداء حق توکیل شرکاء غیر مسئول را ندارند اما نظارت و تفشیش اینجا بیان حق میکند که آن قسمت چه حق دارد و این قسمت چه حق دیگر حدود معامله در اداره کردن را اینجا نباید معین کرد تا حدود تفشیش و نظارت را معین کند میگوید اینجا حق اداره کردن دارند آنها حق تفشیش را ندارند به ترتیبات اداری معامله آنها معین خواهد شد ترتیبات تفشیش آنها هم معین خواهد شد الان میان این است که کدام یک از اینها چه حق دارد و کدام چه حق.

آقا سید حسن مدریس - عرض کردم اینجا باید حق وکالت را بطوری که دارند داشته باشند و حکمتی هم نیستیم که حق وکالت را از آنها سلب کنند و شرکاء غیر مسئول مثل سایر مردم باشد چه شد که شرکاء و مدیر میتواند مردم را وکیل میکند و شرکاء غیر مسئول را نمیتواند.

رئیس - این اصلاحی را که پیشنهاد کرده اند همان ماده ۲۶ است منتها بمبارت دیگر است و در این نمی توانیم رای بگیریم چون خود ماده را میتوان بمبارت دیگر پیشنهاد کرد.

ماده ۲۷ از طرح بمبارت ذیل قرائت گردید در صورت مداخله یکی از شرکاء مسئول در امور شرکت اگر ضرری وارد بیاید خسارت وارده را باید عهده نماید.

ماده ۲۷ - راپورت کمسیون در صورت مداخله یکی از شرکاء غیر مسئول در امور شرکاء اگر ضرری وارد آید خسارت وارده بعهده او خواهد بود.

منتصر السلطان - بنده با این پیشنهادی که کمسیون کرده است مخالف هستم و آن چیزی که در طرح قانونی نوشته شده است صحیح است بجهت اینکه در آنجا اینطور نوشته شده است که در صورت مداخله یکی از شرکاء مسئول در امور شرکت اگر ضرری وارد آید خسارت وارده را باید عهده نماید و علت اینکه اینجا شرکاء مسئول را ذکر کرده است برای این است که خیلی فرق دارد یا شرکاء غیر مسئول بجهت اینکه شرکاء غیر مسئول ابداً حق مداخله و معامله کردن را ندارند بلکه فقط مدیری که از طرف شرکت معین شده است این حق را دارا میشود و این هم که شرکاء مسئول را در طرح نوشته اند برای این است اگر بیست نفر سی نفر از شرکاء غیر مسئول بخواهند از پیش خودشان معاملات بکنند بکلی امور شرکت مختل خواهد شد پس این پیشنهادی را که کمسیون کرده است بکلی مخالف است با آن نکته که مفتش از این ماده در نظر داشته است برای این که منظور نظر مفتش این بوده است که شرکاء مسئول نتوانند از پیش خود مداخله در امور و معاملات شرکت بکنند و از این ماده راپورت کمسیون که مقید کرده است بشرکاء غیر مسئول نهیده میشود که شرکاء مسئول میتوانند دخالت بکنند و این مخالفت با مرکزیت شرکت میشود که آن اختیاراتی را که از ابتداء شرکاء مسئول برای آن مدیر نوشته اند برخلاف آن هر یک برای خودشان مداخله

در امور شرکت بکنند و معاملات بنمایند و با این ترتیب این را شرکت نمیتوان تصور کرد و لغو خواهد شد.

آقا میرزا احمد - این ماده ۲۷ متمم ماده ۲۶ است برای آنکه در باره ۲۶ همین قدر میگوید که شرکاء غیر مسئول حق ندارند در اداره کردن شرکت و امور آن دخیل بشوند و مداخله بکنند ماده ۲۷ میگوید در صورتی که مداخله کردند چه باید بشود اینکه در طرح شرکاء مسئول نوشته شده است بنده نظر میآید که در کمسیون هم صحبت شد که اشتباه شده است برای اینکه متناسب را که ملاحظه میکنم میبینم واضح است که در ماده ۲۶ تعیین حکم عدم مداخله را میکند و در ماده ۲۷ هم مجازاتی برای آنها معین میکند که اگر مداخله کردند چه باید بشود.

حاج معین الرعایا - بنده عرض میکنم که حق مداخله هیچ یک از شرکاء اعم از مسئول یا غیر مسئول نمیتوان داد و فقط مداخله در امور شرکت حق مدیر است و باید در اینجا نوشته شود که هیچ یک از شرکاء اعم از مسئول و غیر مسئول حق هیچ گونه مداخله در امور شرکت ندارند اگر مداخله کردند ضرر آن با خود آنها است.

آقا شیخ ابراهیم - بنده این را درست نمیفهمم شرکاء مسئول یا غیر مسئول اگر حق مداخله و معامله کردن دارند و به ترتیب صحیحی هم مداخله کردند دیگر ضرر بر عهده آنها نیست اگر حق مداخله ندارند و معامله کردند که ضرر آن البته بر عهده خود آنها است و اگر حق نداشته و مداخله کرده است ولی مداخله بوده است که از آن داده شده بود که او آنرا را میکند که باز هم خسارت بر عهده او نخواهد بود و در اینصورت هم مسئول و غیر مسئول هیچ تفاوتی نمیکند بنده مقصود از این ماده را نمیفهمم خوب است توضیح بشود.

افتخار الواعظین - همان فرمایشی که آقای آق میرزا احمد فرمودند بنده گمان میکنم که کافی خواهد بود در طرح هم شرکاء غیر مسئول بوده است اشتباهاً مسئول نوشته شده است برای اینکه شاعر ماده ۲۶ معین کردید که شرکاء غیر مسئول از نظارت و تفشیش حق دیگری ندارند حالا ماده ۲۷ میگوید که اگر چنانچه کسی از شرکاء غیر مسئول از این حدود قانونی خودش تخطی کرد و رفت یک معامله ضرر و خسارتی که وارد شده است بر بیاید برای این که از ابتداء حق مداخله نداشته است اما این که اگر یکی از شرکاء مسئول معامله بکند و ضرری از آن وارد بیاید آن ضرر و خسارت متوجه بخود او باشد نه شرکت بنده نمیتوانم این را تصور بکنم که این چه شکل خواهد بود که اگر نفعی از معامله احوال حاصل بشود مال تمام شرکاء باشد و اگر ضرری حاصل بشود مال آن بیچاره باشد البته وقتی که حق دارد ضرر و نفعی هم که از معامله او حاصل میشود حق همه است ولی این ماده هیچ شرکاء غیر مسئول را نمیکند.

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند (گفتند کافی است.)

یک اصلاحی از طرف آقای حاجی شیخ علی

پیشنهاد شده است خواننده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد.)

هر گاه یکی از شرکاء غیر مسئول بر خلاف اجازه و مقررات نظامنامه داخلی شرکت مداخله در امور شرکت نمایند و ضرری وارد آید خسارت بعهده او خواهد بود.

حاج شیخعلی - چون امورات شرکت را یک عده اشخاصی باید اداره بکنند برای اینکه یک نفر مدیری که معین میشود نمیتواند اداره بکند و در صورتی که در نظامنامه شرکت که در اول منعقد شده است نوشته شده باشد که هر کس دارای فلان قدر از سهام باشد مثلاً مدیر شعبه شرکت در فلان شهر واقع میشود یا اینکه با اجازه مدیر مسئول چنانچه در ماده قبل گذشت یا با اجازه شرکاء مسئول یک مداخله در امری کردنی شود که ضرر آن کار بعهده خود او است و در صورتی این ضرر بعهده او وارد میآید که بدون اجازه مدیر و شرکاء و خارج از آن موادی که در نظامنامه شرکت بوده است مداخله و معامله کرده باشد از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام که اگر بر خلاف اجازه و مقررات نظامنامه داخلی شرکت مداخله در امور شرکت بکنند و ضرری وارد بیاید ضرر آن بر عهده خود او باشد والا فلا.

رئیس - کمسیون چه میگوید این پیشنهاد را قبول میکنند یا خیر.

افتخار الواعظین - ماده ۱۹ را اگر آقای حاج شیخعلی ملاحظه فرمایند مقصود ایشان در آنجا هست این ماده فقط حدود شرکاء غیر مسئول را معین میکند و این ماده چون بر خلاف مقصود کمسیون است کمسیون نمیتواند قبول بکند.

رئیس - پس رای میگیریم در این اصلاح آقای حاج شیخعلی - آقا باینکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (مصدودی قیام نمودند).

رئیس - قابل توجه نشد - ماده ۲۸ خوانده می شود.

فصل ۳ شرکت مختلطه سهامی

ماده ۲۸ - طرح بمبارت ذیل قرائت شد

شرکت مختلطه سهامی مانند شرکت مختلطه مابین چند نفر شرکاء مسئول و شرکاء غیر مسئول منعقد میشود ولی سرمایه شرکاء غیر مسئول بوسله سهام تحصیل میشود.

راپورت کمسیون - فصل ۳ شرکت مختلطه بعنوان مقدمه نوشته میشود شرکتنامه قانونی میآید چند نفر شرکاء مسئول خواهد بود و در آنجا شرط خواهند نمود که قسمت نفع را از عین المال خود بدهند و انعقاد شرکت میان آنها و صاحب سهم چه اسمی باشد چه حاملی پادان مبلغ سهم است و گرفتن سهم که علامت شرکت او است و تمام امور متعلقه به شرکت مختلطه سهامی باید قیلاً اعلان شود که طالبین سهم دانسته اقدام بگرفتن نمایند (کمسیون ماده ۲۸ طرح را عیناً تصویب کرده بود)

بجهت - بنده تعجب میکنم که این را بعنوان مقدمه نوشته اند در صورتیکه ممکن است در دو سه ماده نوشته شود و علت اینکه این مطلب باید بعنوان

مقدمه نوشته شود نه بصورت مواد نمیدانم چه چیز است خوب است بیان فرمایند.

آقای مدریس - فرمایش آقا صحیح است که اگر شکل مواد نوشته شود بهتر است لکن بعضی مطالب هست که یک مطلب فلسفی است و متعلق بعضی یا تمام مواد است و این قسم مطلب را یا بعنوان مقدمه باید بنویسند یا این ملاحظه بعد از آنی که نظر شد دیدیم که یک ماده یادو ماده کم میشود که معین یک ماده یا مواد دیگر بشود لهذا بعنوان مقدمه نوشته شد و دارای سه مطلب کلی است و آن سه مطلب کلی هم این است که اینجا در حقیقت سه قسم شراکت هستند یک شراکت عقدی است که مبانه چهار یا پنج نفر اول متعقد میشود و یک شراکت معاملاتی است که مبانه این اجزاء یا آتیهائی که سهام میفرغند منعقد میشود و یک مطلب دیگر این است که کدر این مواد یک قسمت نفع است و قسمت نفع هم مقتضای شرکت نیست که هر کس صد تومان داشت صدویچ تومان باو بدهند از اینجهت لازم شد که دادن این قسمت نفع را شرکاء مسئول بر عهده خود میگیرند و اشکالی وارد نباید تا اینکه اگر وقتی شرکت ضرر میکند یا منفعش کمتر باشد بمقتضای این قانون رفتار بشود حالا اگر صلاح میدانند که این را ماده بکنند اگر طوری بکنند که این فائده را بپخش ضرری ندارد

حاج معین الرعایا - فرمایشاتی را که آقا فرمودند تصور میکنم که در مواد بدخواهد آمد و بنده این مقدمه را زائد میدانم و بعقبه بنده همان عبارت طرح صحیح تر و جامع تر از تمام اینها است

حاج وکیل الرعایا - بنده از اطلاعی که از وضع شرکت صومی دارم میدانم که مقصود از شرکت صومی بیشتر کتکلی است که هر کس میتواند داخل آن بشود و در آن بعضی ترتیب است که تغییرات دادن آن سکه بکار وارد میآورد و نمیتواند کلاراً بآن گردش اولیه اش نگاه بدارد و آن شرکتی که حالیه در نظر بنده است این است که یک اشخاص بزرگتری یک سرمایه بزرگتری می دهند و آنها را مؤسس خواهند گفت و بعد یک سهامی تهیه میشود که بیش سایر اشخاص عیناً بر مراتب هم تقسیم می شود و هیچ فرقی بین آنها سرمایه داران بزرگ در موقع تقسیم نفع و ضرر مقصود نیست جز اینکه آن مؤسسين ممکن است خودشان یک فرعی در کار بدهند که از منفعت شرکت صدی فلان قدر مابین ایشان تقسیم بشود بعد مابقی آن که صدی نود یا کمتر یا بیشتر میشود مابین اشخاصی که محقق تقسیم خواهد شد اما اینهم در همه شرکتها باشد یا نباشد نمیتوانم عرض بکنم برای اینکه شاید شرکتی باشد که هیچ این مختصات هم در آن نباشد و ممکن است که صدی دو را ابتداء برای مؤسسين جدا بکنند بعد بطور تساری تقسیم بکنند بین شرکاء و در اینجا بعد از استثناء دیدیم که همه آنها معقدند.

رئیس - اینجا بیشترش از موضوع خارج است

حاج وکیل الرعایا - حالا مقصود بنده این است اینکه میفرمایند از موضوع خارج است ولی چون توضیحاتی که آقا دادند در آن چیزی که اضافه شده است و در اینجا ندارد از این جهت ناچارم بگویم.

رئیس - سایر مطالب در مواد بعد است حالا حرف در این است که این را بترتیب و شکل مقدمه بنویسند یا بشکل ماده

حاج وکیل الرعایا - خیلی خوب این را اگر به ترتیب مقدمه در اینجا داخل بکنند بنده گمان میکنم که این را از ترتیب شرکاتی میاندازد

افتخار الواعظین - بنده همان شکلی که آقای مدریس فرمودند مخالفم با اینکه این مطلب بعنوان ماده نوشته شود چرا بجهت اینکه این مبانی تاسیس شرکت است و فقط با آقای حاج وکیل الرعایا عرض میکنم که باینکه این مقدمه تشکیل شرکت صورت قانونی شرعی پیدا خواهد کرد و از برای اینکه این شرکت قانونی اسلامی بشود باید رعایت آنچه که در این مقدمه ذکر شده است بشود و این مقدمه هم چون مربوط بتمام مواد است یعنی اصل مبنی و ترتیب تشکیل این شرکت را تصریح میکند بنده مخالفم با اینکه این ماده باشد بلکه باید بعنوان مقدمه نوشته شود.

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند (بعضی گفتند کافی است.)

رئیس - رای میگیریم در اینکه مذاکرات کافی است یا نه آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (عده قیام کردند)

رئیس - معلوم میشود که مذاکرات کافی نیست.

بجهت - بیاناتی که آقای مدریس فرمودند هیچ بنده واقفان نکرد که این مطلب خارج از مواد باشد برای اینکه این سه فقره مطلب است یکی تعریف است و دو فقره دیگر از اصول مطالب است و ممکن است جزء مواد نوشته شود و همیشه هم رسم است که در فصول مختلفه که نوشته میشود تعریفات را هم جزء مواد بنویسند چنانکه اگر قوانینی که گذشته است رجوع بکنیم خواهیم دید که تعریفات هم جزء مواد نوشته شده است و تاکنون مانظیر این را در قوانین نداشته ایم که در این مواد یک مقدماتی نوشته شود که اصول مطالب باشد و در ضمن مواد درج بشود یا بجهت بنده عقیده ام این است که این مقدمه را در کمسیون تجزیه بکنند و بشکل مواد پیشنهاد نمایند.

منتصر السلطان - در اینجا یک اشکالی که کرده اند گویا سهو و اشتباه کرده اند یعنی تصور برخلاف شرع است در صورتیکه اینطور نیست یعنی اینجا نیز تزیل نمیتوان گفت و در کمسیون گویا درست آقا را ملنفت نکرده اند بلکه این یک فراری است که هر شرکت با کمپانی که تاسیس میشود میگذاردند که منافع آن شرکت و تجارت خودشان را از قرار صدی پنج یا صدی شش تقسیم بکنند بین خودشان و بقیه اضافه شود بر سرمایه یعنی ماها که فرضاً یک شرکتی را تشکیل میدهم قرار میدارم یک قسمت از منافع تجارتی که امساله ما میریم تقسیم بکنیم بین خودمان و یک قسمت از آن را بفرزایم سرمایه آن قسمتی را که بین خودشان تقسیم میکنند استمر رانامه میگویند و آن قسمتی که مزید میشود بر سرمایه آن را بهره میگویند و این هیچ وقت اسم تزیل نمیشود روی آن گذاشت تا اینکه بفرمایند خلاف

شرع است و گمان میکنم که این مطلب را درست ننواسته اند در کمیسیون حل بکنند این مثل این ماند که بنده يك مال التجاره را باصنهان میفرستم و میگویم از هزار تومانی که از این مال التجاره منافع حاصل میشود دوست تومانش قسمت بشود بین شرکاء و باقی مزید بر سرمایه بشود حالا آن قسمت او را همان طوری که عرض کردم در قانون شرکتها لغتی برای آن وضع کرده ایم و اسمش را گذاشته ایم نافه .

آقای مدرس - گویا مواد ذیل این فرمایش را که فرمودند منعرض باشد که منافی می شود بر دو قسم است یا بنحو استهلاك است یا بنحو غیر استهلاك و این معنی نافه را در قبیل آن گذشته اند و معنی نافه هم چنانکه از این مواد فهمیده میشود و کمیسیون هم همینطور فهمیده است این است که هر کسی يك سهم صد تومانی را بخرد در سال پنج تومان را باو میدهد و این دلالت ندارد بر اینکه در صورت نفع یا ضرر و اگر اینطور است که باید در ضمن شرکت نامه قید شود والا دخلی به منفعت ندارد و ربح میشود .

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم اگر آن عرایض اولی را که عرض کردم اگر قدری بیشتر عرض کرده بودم محتاج باین مذاکرات نمیشد و این مذاکرات در آنجا ختم میشد و تصور میکنم که در توضیح آن سهم آن عرایض اولی را که کردم کلاماً توضیح مقصود را میکرد و حضرت آقا تصور فرمودند که شاید این يك منفعت ثابت سالیانه باشد که صاحبان سهام که باعتبار آن مؤسسين سهم خریداری کرده اند داده میشود در صورتیکه گمان میکنم که در شرکتها اینطور نباشد و بنای شرکت هم باین نیست یعنی ممکن است که این قید را بکنند مثل اینکه آن را این کمپانی نفت ایران هم يك معجزه شرطی را دارد لکن این عمومی نیست و با مملکت ما هم موافقت ندارد مملکت ما موافقت به همان چیزی است که ملاحظه فرموده ایم و آن شرط اولیه را اگر درست بعرض شما رسانیده بودند این اشکال را نمیفرمودید شرکاء بطور تساوی شریکند باستانی يك شرط که ممکن است بنویسند که اول از خالص عایدات يك صدی شش یا صدی پنج از برای مؤسسين موضوع میشود آن وقت اگر خواسته باشند باقی آن عایدات صاحبان سهم و خود آنها که صاحب سهم هستند تقسیم میشود ممکن است این شرط را بکنند و ممکن است که برای احتیاط این شرط را هم بکنند و هر ساله يك صدی پنج را در خزانه شرکت بگذارند برای اینکه مبادا امسال چنانچه منفعت هاشان خوب بود يك سال دیگری بشود که ضرر بکنند و يك خطری در کار پیدا بشود و محتاج بپول بشوند آن را در يك خزانه میگذارند لکن مال عمومی است مال کسی نمیشود و برای يك شرکتی هم يك معجزه اعتباری لازم است که اعتبارات او در ترازیه باشد و مردم تشویق نکنند یا اینکه بگویند صدی پنج یا شش ما بین باب سهام باید تقسیم بشود و قسمت میکنند و این مخالفتی با آنچه در قانون اسلام است ندارد و هیچ راجع بآن نیست این از تمام عایدات موضوع میشود و رفع آن اشکال حضرت آقا هم شده است .

رئیس - خاطر آقایان را متذکر میکنم به اینکه شوردویم هم داریم و ممکن است قبل از شور دوم هم در کمیسیون اصلاحاتی بشود حالا گمان میکنم که مذاکرات کافی باشد (گفتند صحیح است) ماده ۲۹ - خوانده میشود .

(ماده ۲۹ - طرح بپارت ذیل قرائت شد) .
سهم یا سیمی خواهد بود یا حاملی در صورتیکه اسم صاحب سهم در روی آن قید شود اسمی است والا حاملی است (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود) **رئیس** - در ماده ۲۹ مخالفی هست (اظهاری نشد) مخالفی نیست .

ماده ۳۰ - خوانده میشود .
(ماده ۳۰ طرح بپارت ذیل قرائت شد) .
ملکیت سهم حاملی را میتوان بدون رعایت ترتیبی بدیگری انتقال داد ولی برای انتقال سهم اسمی صاحب سهم باید مراتب را در دفتر خانه مرکز شرکت اظهار نموده و اظهار او در دفتر مخصوص ثبت شود .

(کمیسیون عیناً تصویب کرده بود) **رئیس** - مخالفی هست (گفتند خیر) ماده ۳۱ - خوانده میشود .

(ماده ۳۱ طرح بپارت ذیل قرائت شد) .
هیچ سهمی اعم از این که اسمی یا حاملی باشد مبلغ آن بیش از صد تومان نمیتواند باشد (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود)

رئیس - کسی ایرادی دارد (اظهاری نشد) ماده ۳۲ - قرائت میشود .

(ماده ۳۲ طرح بپارت ذیل خوانده شد) .
محض تأدیبه منافع سهم با قسط و بجهت این که چند نفر بتواند شریک شده يك سهم اکتباع نمایند برای هر سهمی میتوان چندین قسمت متساویه قرار داد موسوم به (برش) است از این قرار يك سهم صد تومانی ممکن است دارای پنجاه (برش) دو تومانی باشد .

(نیز کمیسیون عیناً تصویب کرده بود) **حاج وکیل الرعایا** - این برشها که در روی اوراق سهام طبع میشود در وقتیکه سود آنها داده میشود آنها را پس میگیرند پس این راجع باستقراض است و نباید داخل بشود در کار شرکتی برای اینکه معلوم نیست که در آخر سال چه بآن شرکت میرسد که بآن برشها بدهند تا این که ما پیش ریش از برای او برش قرار بدهیم و البته باید يك ترتیب دیگری در نظامنامه داخلی شرکت برای اینکار معین بکنیم و الا این برش را که در این ماده گنجانیده اند بکلی از موضوع مذاکره ما خارج است یعنی راجع باستقراض است و مجلس اینجا نیست .

آقای الواعظین - آقای حاج وکیل الرعایا خیلی اشتباه فرموده اند این سهم صد تومانی ممکن است پنجاه برش دو تومانی باشد و بعد پنجاه نفر جمع شوند و هر کدام يك برش دو تومانی بخردند که مجموع آنها دارای يك سهم باشند و بعد هم قرار میگذارند که از معاملات شرکت هر قدر منفعت حاصل بشود از قرار تومان شمار بصاحبان سهام حق بدهند

در آخر سال هم هر قدر منافع برای شرکت حاصل شده است آن را بصاحبان برش باندا که در دستشان برش سهام هست بهمان اندازه از منافع حاضر به آنها سهم میدهند

حاج وکیل الرعایا - آقای مخبر توضیحی که دادند يك اشتباه را از بنده رفع کرد معلوم میشود این برشها را برای این نوشتند که اول برده بدهند برای گرفتن پول بجهت سرمایه یعنی برای گرفتن يك سهم صد تومانی پنجاه سهم دو تومانی بدهند و آن چیز را که فرمودند و اضافه کردند باز يك اشکالی پیدا کرد آن فرمایش اولی شان صحیح است است لکن آن را هم يك سهم صد تومانی نمیچسباند و سهم يك تومانی باید داشته باشد این ترتیب این است که باید سهام آن از يك تومانی شروع شود تا حد اکثرش که صد تومانی باشد اگر پنجاه سهم دو تومانی يك سهم صد تومانی چسباند و از برای او این طور قرار بدهند که بگویند او را مثلاً ۵۰ برش دو تومانی دادیم بپردازد که بآن سهم صد تومانی ملحق است پس خود آن سهم صد تومانی کجا است .

منتصر السلطان - وقتیکه سهام را چاپ میکنند و میخواهند انتشار بدهند اشخاصی که دارای ترونی نیستند که يك سهم بخرند برشها را با قسط ماه بماه هر هفته بآنها میدهند که تا مدتیکه دارای يك سهم بشود و بعد از آن برشها را از او میگیرند او هم تحویل میدهد و يك سهم صد تومانی میگیرد و چیزهای دیگری که برای او نفی منظور میگرد و نخواهد داشت همان قراردادی است که هفته به هفته باید آن پول را بدهد .

رئیس - دیگر مخالفی نیست (مخالفی نبود) (ماده ۳۳ طرح بپارت ذیل قرائت شد) .
ماده ۳۳ حق دارنده سهم اولاً منفعتی است که هر ساله عاید میشود ثانیاً قسمتی از اداری شرکت است که بعد از تفکیک شرکت باو میرسد و کمیسیون عیناً تصویب کرده بود .

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد) ماده ۳۴ - خوانده میشود .
ماده ۳۴ - منفعت هر سهمی عبارت است از دو قسمت که اولی موسوم است به قسمت نافه است که از قرار صدی فلان محسوب و تعیین مقدار آن بسته به قرار است که مابین شرکاء داده شده است و قسمت دوم موسوم به بهره است که مطابق با منفعت سهم بعد از وضع قسمت نافه (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود)

هشترودی - بله این ماده ۳۴ گویا آن اشکالیکه آقا کردند در اینجا هم شامل میشود چون که این دو قسمت میکنم هر سهم را یکی قسمت نافه که از قبیل صدی فلان محسوب میکنند یکی بهره است که مطابق با منفعت سهم بعد از وضع قسمت نافه اگر ضرر کرد این شرکت بطور مثلاً هیچ نفی ندارد چه باید کرد این صاحبان سهام هم به همان نسبت ضرر خواهند برد یا نه این را توضیح بدهند منتفع بشویم .

افتخار الواعظین - مثل اینکه سایر شرکاء ضرر میکنند ضا ابلان سهام هم ضرر خواهند برد منتها فرقی که هست قسمت نافه بآنها خواهد رسید یعنی به مؤسسين مشمول قسمت نافه نخواهد رسید

هشترودی - از فرمایش آقای مخبر معلوم شد که او منفعت را میرسد بعد هم خسارت پای او حساب میشود این معنی اینست که زیادت و ضرر را هم منتها بیای او حساب میکنند این را توضیح بدهند مثلاً این شرکت هیچ منفعتی نکرده است باز نافه را میرسد یا دیگری را میرسد بنده این میرسد را نمیفهمم .

منتصر السلطان - اینجا گویا يك اشتباهی شده است در تفسیر دو فقره سؤال کردند در باب بهره و نافه که اگر شرکت ضرر کرد تفکیک آن بهره چه میشود مقصود از این ماده این است که تا وقتیکه شرکت در اشکال دادیم و آن شرکت را قرار دادیم این تجارتی را که میکنند صدی فلان مبلغ را که از این تجارت نفع میبریم تقسیم میکنیم بین شرکاء و بقیه این نفع خودشان را مزید بر سرمایه شرکت میکنند و در سال قرار میگذارند که بموجب قرعه یا بفرار دادی بگذارند صاحبان این سهام بیایند بدهند و پولشان را بگیرند که بر وند پول خودشان را يك کاری بیندازند و آن سرمایه شان محفوظ بماند البته در موقعیکه يك کسی که سهام خود را واگذار کرده است و پول خود را گرفته است و آن سرمایه ازلی مانده است که باید باو بدهند اگر این کمپانی ورشکست بشود و این شرکت ضرر کرد از میان میرود و اگر سایرین سهامشان را گذارده باشند و واگذار بشود نکرده باشند مسلماً سهامو بهره آنها هر دو از میان میرود و در حقیقت بهره که راجع بآن سهام اولی است و نافه در مقام ثانی است از قرار قرعه در سال یکده سرمایه خودشان را پس میگیرند این هیچ ربطی بر ما ندارد و هیچ خلاف شرع نیست .

هشترودی - آقابك قدری اشکال بنده را زیاد کردند این میگوید منفعت هر سهمی یعنی آن پولی که داد آن پول باید همینطور بماند و از این پول این منفعت را بپرداز نمی گوید که صدمه بخورد و اساس این پول هم از میان میرود البته اگر شرکت تمام پولش هم غرق در دریا باشد این اصل پول هم میرود ماهیچه حرفی در او نداریم اصل اساس صدمه خورده یا نخورده حرف نداریم منفعت را میگوید دو قسمت بنده عرض میکنم که این دو قسمتی را که اینجا کرده است بکلی نافه و بکلی بهره این منفعت نکرده که این نافه را بپرداز بهره برده بلکه صدمه خورده است یعنی که اصل منفعت نبوده يك اندازه از اصل سرمایه هم صدمه خورده است از کجا باز از این دو قسمت نافه و بهره يك چیزی باو میدهند این را يك جوابی بدهند تا من قانع شوم .

آقای امیرزا احمد - فقط چیزیکه کفایت میکند از برای جواب آقا همین است که اگر ضرر هم کرد بهره آنها وارد خواهد شد این ماده بخوبی میفهماند که آن اشکالی که سابق کرده بودند این اشکال وارد نیست در ماده ۳۴ میگوید که هر چیزی که عایدی پیدا کرده عایدش دو قسم میشود يك قسمت بر حسب قرارداد است و موسوم با نفه است سال بسال بین آنها قسمت میشود و يك قسمت دیگر بعد از وضع او هر چه باقی ماند او بعنوان بهره میماند و در ماده ۳۵ طریقه استهلاكش را ذکر میکنند پس این این قسم میشود که هر چه عایدی پیدا کرده

است آن عایدی تقسیم میشود نه اینکه اگر عایدی پیدا نکرد باوجود این آن مؤسسين اول هم باید يك حقی بدهند البته در صورتیکه ضرر کرد مثل شرکت معتدله که آتیم منقسم میشود منتها زیادتى که حق دارند از آنها او بر آنها تقسیم میشود .
رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) .

ماده ۳۵ طرح بپارت ذیل قرائت شد .
ماده ۳۵ - در صورتیکه قرار شود که هر ساله يك قسمت معینی از منافع شرکت تخصیص استهلاك وجه سرمایه میشود صاحبان اسهامیکه وجه آن مسترد شده است از اسامی بعد فقط از بهره منتفع خواهند شد (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود) .

رئیس - مخالفی در این ماده نیست (مخالفی نبود) ماده ۳۶ - طرح بپارت ذیل قرائت شد .

ماده ۳۶ - علاوه بر نشر اسهام در صورتی که شرکت پس از تشکیل وجهی لازم داشته باشد میتواند فرض کرده و تسکات شرکتی انتشار دهد در این صورت دارنده تسکات شرکتی فقط حق نافه خواهند داشت (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود) .

آقای شیخ محمد خیابانی - همین ماده ۳۶ میسراند و تصریح میکند بر اینکه ماده ۳۴ اشکال داشته است اینکه اینجا مینویسد که قرض میکند در مقابل تسکات انتشار میدهند و برای صاحبان تسکات منفعتی میدهند این را توضیح بدهند که این معنایش چه چیز است تاماده ۳۴ اشکال حل شود

افتخار الواعظین - این شکلی که فرمودند که از این ماده معلوم شد که آن ماده هم اشکال داشته است با این توضیحات گمان میکردم اشکالی باقی نماند عرض میکنم او را دو قسمت میکنند يك قسمتش را بعنوان نفع قرار میدهند که صدی پنج را مثلاً بعنوان منفعت بدهد و صدی نود و پنج را بعنوان بهره بر اصل سرمایه میافزایند حالا آمدند بیست هزار تومان قرض کرده اند که بنده و بشی بخرند و حل بروسه کنند این يك بهره کرده است معلوم است که آن صاحبان بیست هزار تومان که بر اصل سرمایه افزوده اند چون شریک نیستند يك کسانی هستند پول قرض داده اند قرضشان را میدهند با منفعتی که از پول آنها عاید شده است و چون شریک نیست از آن بهره که بر اصل سرمایه باید افزوده شود بآنها داده نخواهد شد این کار اشکالی ندارد

آقای شیخ محمد خیابانی - توضیحات آقای مخبر رفع اشکال را نکرد میفرمایند وقتیکه برای يك شرکتی پول لازم شد آن را قرض میکنند و تسکات بآنها میدهند و بعد تسکات آنها را تقسیم میکنند و آن صاحبان طلب که قرض داده اند شریک نیستند ولی در مقابل پول آنها يك چیزی بآن ها میدهند این غیر از این است که این منافع را در مقابل قرض میدهند اگر مقصود غیر از این است که مطلبی است علیحده و باید توضیح شود والا اشکالی باقی است .

آقای حسن مدرس - عرض میکنم ظاهرأ این صحبت ها اسباب تضییع اوقات است بجهت اینکه مؤلف این مواد آقای رئیس هستند حاضرند و صحبت

نمی فرمایند بعد که بکمیسیون میرود جهات مطلب معلوم میشود و زیادی این مذاکره ندارد
رئیس - این دو صورتی است که برگردد بکمیسیون بنده خودم که نمیتوانم این تقاضا را بکنم .
افتخار الواعظین - بنده تقاضا میکنم که این ماده برگردد بکمیسیون که در آنجا نظری در این باشد .

رئیس - ده دقیقه تنفس است و بعد از تنفس ماده ۱۷ قرائت میشود مجدداً بعد از تنفس جلسه يك ساعت قبل از ظهر تشکیل کردید .

رئیس - ماده ۳۷ قانون شرکتها قرائت میشود (بپارت ذیل قرائت شد)

ماده ۳۷ - تأدیبه قیبت نافه کمترین کتب بر تأدیبه منفعت سهم تقدم و رجحان دارد و به منظور بعد از تفکیک از دارائی شرکت اول وجه تسک پس از آن قسمت شرکاء داده خواهد شد .

رئیس - مخالفی نیست .

حاج وکیل الرعایا - ماده قبل که رجوع بکمیسیون شد این هم يك شرکت تالی نسبت باو دارد و اگر در آن يك نظری دارند خوب است همان نظر هم در اینجا منظور شود چون مقصود از این منفعت آنچه میفهمد آن يك قسمت از عایداتی است که در معاملات از راه شروع عاید شده بنده از این منفعت اینطور میفهمم اگر مقصود مقنن از این منفعت يك ربحی است که بر اصل پول قبول میکنند یعنی بآن شرایط يك استادی منتشر میکنند میان اهالی کم پولی را از آنها موقتاً برای دو سال یا سه سال قبول میکنند باین قرض صدی هفت و بعد این ماده را اینجا گنجانیده است که آن معنی را برساند گمان میکنم که این را در اینجا مانع تالی به تصویب بکنیم و هیچکس هم نمیتواند تصویب بکند بجهت آنکه آن معنی را میسراند و اگر آن شرط اولی است که کار عایدات این شرکت چنانچه مکرر عرض شد باید قسمت شود و يك قسمت دیگری هم بعد از آنی که لازم شد بموجب نظامنامه داخلی خودشان تقسیم خواهند کرد مقصود از این منفعت و این عبارت دومی اگر این است که این خیلی صحیح است و مشروع و موافق با مقتضیات این مملکت است و میتواند در اینجا باشد و اگر غرض از این است باید برود بکمیسیون بعد از آن نظری که لازم است یا آن ماده قبل دوم مرتبه بیاید بجای برای مذاکره **افتخار الواعظین** - بله بنده هم تقاضا میکنم که این ماده برگردد بکمیسیون که تجدید نظری بشود - ماده ۳۸ - مزبور بپارت ذیل قرائت شد

ماده ۳۸ طرح - احداث شرکت مختلطه اسهامی باید بقید بطلان با اجازه دولت باشد و این اجازه باید از مجلس شور و وزراء داده شود در ورقه که استدعای اجازه میشود باید اسامی شرکاء مشمول ذکر و بهره و امضای آن ها رسیده باشد کمیسیون عیناً تصویب کرده بود .
رئیس - مخالفی هست؟ (مخالفی نبود)

ماده ۲۹ - علاوه بر شرایطی که در مواد ۷ و ۶ ذکر شد شرکت نامه باید متضمن فقرات ذیل باشد اولاً تعیین قسمت نافه ثانیاً در صورتیکه هر ساله قسمتی از منافع شرکت باید ذخیره شود با تعیین

مفداً از آن ثالثاً تعیین موقع اجلاس سهام رابضاً اجازه دولتی و تاریخ صدور آن (کمسیون عیناً تصویب کرده بود)

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)

ماده ۴۰ - شرکت نامه باید مطابق ماده نهم و دهم مصدق در طهران بچهار نسخه و در ولایات به ۵ نسخه نوشته شود (کمسیون عیناً تصویب کرده بود)

رئیس مخالفی نیست (مخالفی نبود) ماده ۴۱ - شرکت نامه باید در ظرف دو هفته قبل از شروع بمعاملات شرکتی در یک روزنامه محل مرکز و در سر روزنامه دیگر دومرتبه و بفاصله یک هفته اعلان شود اگر مرکز شرکت غیر از طهران است باید در یکی از روزنامه‌های طهران هم اعلان شود در صورتیکه در محل مرکز شرکت روزنامه نباشد مراتب فوق با اطلاع حکومت درده محل که معبر عام است اعلان خواهد شد اگر شرکت در شهرهای مختلف و متعدد شعبه دارد علاوه بر سه روزنامه باید در هر یک از شهرها مطالب فوق اعلان شود (کمسیون عیناً تصویب کرده بود)

رئیس - مخالفی هست (مخالفی نبود) ماده ۴۲ - هر یک از سهام باید بقید بطلان

اجازه دولتی و تاریخ صدور آن و مبلغ سرمایه نیز اسامی شرکا مشمول قید شود.

رئیس مخالفی نیست؟
هشترودی - بنده.
رئیس - بفرمائید.

هشترودی - بنده خواستم که آقای مخبر توضیح بدهند لفظ بطلان را.

افتخار الواعظین - مراد از قید بطلان این است که اجازه دولت برای تأسیس هر شرکتی جری اساسی شرکت است و قانون باندازه با اجازه دولت اهمیت میدهد که اگر اجازه دولتی دو باره تشکیل آن داده نشود اصلاً هیچ شرکتی منعقد نمیشود پس با قید بطلان معنایش این است که اگر اجازه دولتی باشد شرکت منعقد نمیشود والا نمیشود.

حاج وکیل الرعایا - گمان بنده این است که توضیح آقای مخبر آن معانی را که خودشان مقصود دارند در ضمن این عبارت و این بخصوص آن معنی را نمی‌بخشد و تصور میکنم که تولید بعضی اشکالات بنماید اگر بخواهیم چنین شرطی را بکنیم که بدون اجازه دولت هیچ شرکتی معین نمیشود و کان لم یکن بماند چون انتقادش مشروع است گمان میکنم میتوانیم منع کنیم و باطل بدانیم.

منتصر السلطان - مقصود از قید بطلان که در شرکت نامه باید ذکر شود غرض این است و قتی که این شرکت تأسیس میشود اشخاصیکه باید این سهام را بخرند بقید بطلان بخرند چون با هست که این شرکت ضرر بکنند سوخت بشود میخواهد بگوید که این مثل شرکتیهای مختلف نیست برای اینکه شرکت مختلفه نباید آن اشخاص مشمول از عهده آن خسارت وارده برآیند لکن در اینجا اگر یک تقریظ غیر مشروعی شمع بگوید این اشخاص کاین سهام در

دستشان هست نمیتوانند بیانه پیش آن مدیر یا شرکا بگویند سهام را ببارد کنید.

آقای سید حسن مدرسی - عرض میکنم آن نسخه را که ما دیدیم لفظ بدون اجازه بود لکن مراد این است که اول گفته خواهند شرکته را احداث بکنند و قرارها را بدهند این قرار را بدهند که اگر تمای اجازه از دولت کردیم و اجازه نداد این مطلب صورت پذیر نیست نه اینکه شرکتی محقق شده است یا اینکه شرکت نامه نوشته شده است لهذا در اینجا نوشته شده است که قرار دادها موکول با اجازه دولت است لفظی هم که آنجا دیدیم بدون اجازه دولتی بود.

معین الرعایا - بنده تصور میکنم مقصود صاحب طرح که آقای رئیس باشد این است که این سهام بشراکت باشد بطور های دیگر مقصودشان این است این سهام که توزیع شد در این سهام باید اجازه دولت و اسامی شرکا قید شود اگر قید نشود آن سهام از درجه اعتبار ساقط است.

بهجت - بنده از لفظ قید بطلان یک معنایی غیر از این دو معنایی که آقایان تصور کردند میفهمم لهذا با وجود حضور آقای رئیس تنها نمیتوانم که مقصود را توضیح بفرمایند که مقصود از بطلان چه چیز است.

آقای میرزا احمد - قید بطلان در کمسیون که صحبت شد آقای رئیس هم تشریف داشتند همان معنایی بود که آقای مخبر فرمودند معنی بطلان این است که اگر اجازه دولت نباشد باطل است این برای اهمیت کار شرکت است که اگر دولت خبر نداشته باشد و شرکتی خودشان تأسیس کنند و بضرر منتهی شود دولت اطلاع داشته باشد برای رفع گفتگو و منازعه از این جهت است که یک همچو قبلی را لازم میدانند و اینهم چندان فرقی ندارد با آن بیان آقای مدرس بجهت اینکه تصدیق کرده اند این قرار داد دولت را پس ضروری ندارد این قید بطلان.

رئیس - دیگر مخالفی نیست (مخالفی نبود) ماده ۴۳ طرح قرائت میشود.

(ماده مزبوره بعبارت ذیل قرائت شد.)

ماده ۴۳ - اگر سرمایه بیش از صد هزار تومان نیست هر سهم یا برش آن از چهار تومان کمتر نمیتواند باشد اگر سرمایه از دویست هزار تومان کمتر است سهم یا برش سهام از ۶ تومان کمتر نخواهد بود و از دویست هزار تومان بیلا سهم یا برش باید اقل ده تومانی باشد (کمسیون عیناً تصویب نموده.)

حاج وکیل الرعایا - اگر مقصود معنی این باشد که یک نفر چندین سهم چهار تومانی یا شش تومانی بخرد بنده مخالف نیستم لکن اگر مقصود اینست که سهام یک تومانی باشد و یک نفر ده تومان بدهد و چندین سهم یک تومانی بخرد این را مخالف هستم مخالف با حرفه تجارتی میدانم برای اینکه آن اعضای عامله که این شرکت را تأسیس میکنند باید بعضی شرایط عمومی را مراعات کنند و این یک چیز خیلی مضری است برای کار آنها.

افتخار الواعظین - اینجا که قید میکنند که سهم باید کمتر از شش تومان یا ده تومان نباشد هیچ غرض این نیست که یک کسی نتواند بیش از یک سهم

یا یک برش بخرد بلکه هر کس میتواند پنجاه سهم بخرد ولی آقای حاج وکیل الرعایا اگر نظرشان باینست که یک نفر بخواهد یک سهم بخرد این اسباب زحمت مؤسسين است که باید قسمت آن یک سهم را مؤسسين مین بکنند و یک صورت حساب برای یک سهم بنویسند و این اسباب زحمت است این فرمایش صحیح نیست باید در نظر داشته باشند که وقتی که صد هزار یک سهمی جمع شد که هر سهمی ۴ تومان باشد آنوقت چهار صد هزار تومان میشود که از اشخاص و پولهای کم جمع شده است و از این پولهای کم این پولهای کلی جمع میشود و تقسیم منفعت هم اسباب زحمت نیست بجهت اینکه منفعت حاصله را به تومان شار تقسیم خواهند کرد و هر کس هر قدر داده است باندازه سهامش منفعت میبرد.

بهجت - این ماده را بنظر خیلی سهل نمیتوان نظر کرد وقتی ما میتوانیم سرمایه های کلی جمع بکنیم که توانسته باشیم از سرمایه های خیلی جزئی استفاده کنیم برای اینکه میدانیم سرمایه های جزئی و قتی که جمع شود خیلی ما میتوانیم از آنها استفاده کنیم بیش از سرمایه های کلی و میدانیم بعضی از شرکا هم وقتی که جمع شده البته ممکن است که سهم چهل تومان و پنجاه تومانی هم بکنند و نمیتوانیم بگوئیم سهام را کوچک نکنند ولی نمیخواهیم که قانون هم مانع شود که سهام را کوچک بکنند و ممکن است که لفظ شرکا یا بیشتر آنها صاحبان سهام یک تومانی باشند در این صورت چرا باید قانون جلوگیری کند از اشخاص که این سهام کوچک را نتوانند خریداری بکنند بنا بر این تقدیر نقاضا میکنم که این ماده برگردد بکمسیون یا اینکه همینجا اصلاح شود که از یک تومان بیلا که کمتر از یک تومان نباشد.

آقای میرزا احمد - بنده با اصل ماده موافق ولی اصلاح عبارتی که فرمودند سه ترتیب اینجا معین کرده اند یکی تا صد هزار تومان یکی از صد هزار تا دویست هزار تومان یکی از دویست هزار تومان بیلا در این عبارت خوب نیست

میگوید اگر سرمایه از صد هزار تومان بیشتر نیست هر سهم یا برش آن از چهار تومان کمتر نمیتواند باشد بعد میگوید اگر سرمایه از دویست هزار تومان کمتر است سهم یا برش آن از شش تومان کمتر نخواهد بود و این عبارت خوب عبارتی نیست بجهت اینکه شق اول را هم که صد هزار تومان است این شق ثانی شامل میشود بجهت اینکه از دویست هزار تومان کمتر است باید نوشت از صد هزار تومان تا دویست هزار تومان سهام و برش از شش تومان کمتر نخواهد بود و از دویست هزار تومان بیلا از ده تومان سهم آن کمتر نخواهد بود.

رئیس - این را ممکن است بعد در کمسیون اصلاح بکنند قبل از شور دوم ماده ۴۴ خوانده میشود (ماده ۴۴ از طرح قانونی بعبارت ذیل خوانده شد)

ماده ۴۴ - تمام سرمایه باید بقید بطلان قبول شده باشد.

بهجت - شرحی که آقای مخبر در خصوص بطلان در آن ماده فرمودند اینجانب هیچ فائده نمی‌بخشد خواهش میکنم بفرمایند معنی بقید بطلان چه چیز است

افتخار الواعظین - قید بطلان در هر ماده که ذکر میشود بآن چیزی بر میخورد که بعد از او ذکر شده است اینجا میبوسد که تمام باید بقید بطلان قبول شده باشد بقید بطلان قید است از برای آن چیزی که بعد از او نوشته خواهد شد که اگر مراعات آن قید نشود شرکت باطل است و منعقد نمیشود یعنی اشخاصی که متکفل این شرکت شده اند و گفته اند که صد هزار تومان ما میدانیم بصرف گفتنی نباشد اگر سرمایه حاضر شده است شرکت تأسیس میشود والا تأسیس نخواهد شد.

حاج وکیل الرعایا - این اشکال سابق را باز بنده در اینجا دارم این قید بطلان اگر معنی آن این است که کسانی که سرمایه میدهند حق استر داد آنرا ندارند یعنی آن سرمایه از دست آن ها بیرون آمده و باید در شرکت کار بکنند اگر مقصود این است این باید با یک تفاوت لفظی در اینجا درست شود و این یک چیزی است که اساس شرکت را محکم میکند اگر مقصود غیر از این است آن را بفرمایند تا بنده بدانم که موافق با مخالف چون این یک لفظی است که قابل معنایی زیادی است و بنده تمام معنایی او را نمیتوانم برسم

منتصر السلطان - این قید بطلان در واقع خودش معین است که هر کس میداند که مقصود این ماده این است که این اشخاصی که چاپ میشود و منتشر میشود برای انعقاد شرکت قید بطلان برای اینست که همان اشخاصیکه باید پول بدهند و قبول میکنند آن ها باید پول بدهند و قبول میکنند و در موقعی که این شرکت تأسیس میشود نتوانند پول خودشان را پس بگیرند یا بگویند نفعی برای ما نکرده باین جهت پول خودمان را بر میداریم چنانچه در ماده قبل هم ذکر شد که اگر یک ضروری کرد شرکت مشمول آن اشخاص مؤسس هستند حتی از دارائی خودشان هم را بر میدارند ولی این شرکت مختلط سهامی است که در آن جا داده میشود.

ارباب کیخسرو - در یک کار مهم شرکت همچو قید باین مختصریکه خود مخبر و اعضای کمسیون مقصود آن را توضیح میدهند خیلی اهمیت دارد بنده نقاضا میکنم که هر مقصودی دارند واضح بنویسند در یک چنین قانونی نمیشود باختصار پرداخت این توضیح را بفرمائید.

آقای میرزا احمد - بنده هم شریکم که این ماده قدری مجمل است ولی لازم میدانم عرض کنم که مقصود از این ماده این است که صاحبان سهام سهمی را که قبول میکنند دو جور است یکی آن است که تمام سهم را قبول میکنند حالا چه قسم پول آن را میدهند آن بعد خواهد آمد یکی آن است که نصفش را قبول میکنند و نصفش را قبول نمیکند حالا آن شرکتی که از یک سرمایه تشکیل شود و تمام وجه سرمایه قبول نشده باشد آن شرکت باطل است و منعقد نمیشود مراد از این ماده اینست که اگر تمام وجه سرمایه قبول نشده باشد آن شرکت منعقد نمیشود و قبولی بالنسبه به تمام آن سرمایه باید باشد که هر سهمی را که بر میدارند باید بقید بطلان قبول کند و تمام وجه را بدهد ولو اینکه تمام وجه را نداده باشند قبول بکنند

که بدهند اگر قبول نکرد دادن تمام وجه را آن شرکت باطل است و منعقد نیست.

رئیس - در اصل مقصود معلوم نمیشود مخالفی نیست فقط اختلافات در عبارات و آنرا هم ممکن است قبل از شور دوم اصلاح بکنیم (ماده ۴۵ را بخوانید) - (ماده ۴۵ طرح قانونی بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۴۵ - بقید بطلان شرکت باید تمام دارنده گان سهام وجه آن را پرداخته باشند در صورتیکه سرمایه بیش از صد هزار تومان نباشد ولی اگر سرمایه از صد هزار تومان بیشتر است سه ربع و از دویست هزار تومان بیلا آدبه نصف سرمایه شرکت را میتوان تشکیل داد مگر حصه جنسی که باید قبل از تشکیل شرکت تماماً بصرف داده شده باشد (کمسیون عیناً تصویب کرده بود).

رئیس - مخالفی هست؟
آقای محمد پرو جردی - بنده این تفصیلی را که در این ماده تشریح کرده است هیچ نمیفهمم اصل شرکت این است که تمام سرمایه نقد شود و مزوج شود تا شرکت منعقد شود والا اینکه اینجا نوشته است تا دویست هزار تومان چطور و بالاتر چطور این را بنده هیچ نمیفهمم شرکت تا وقتی که سرمایه نقد شود مزوج نمیشود منعقد نمیشود مگر اینکه قید شود که در آن مقداری که نقد شده است که سه ربع یا نصف آن سرمایه که نقد داده شده است منعقد میشود و الا بطور اعتلا نمیتوانیم بگوئیم که یک مقداری از سرمایه در ذمه صاحبان سهام باشد معذرت شرکت منعقد شده باشد.

معین الرعایا - مقصود این است که تمام سرمایه این شرکت بتوسط سهام جمع خواهد شد و اینکه آقایان بفرمایند تا سرمایه جمع نشود شرکت منعقد نمیشود این طور نیست ممکن است سرمایه صد هزار تومان باشد شرکا نصف او را بدهند و نصف او را بر ذمه گرفته اند و مقروض هستند شرکت منعقد نمیشود این شرطی به شرکت ندارد مگر این که فرض بفرمایند که نصف سرمایه را دادند ما بگوئیم که در نصف آن سرمایه شرکت منعقد است والا آن شرکت که در اول بنا بوده است پنجاه هزار تومان یا صد هزار تومان منعقد شود آن منعقد نمیشود بانده شدن نصف آن سرمایه.

بهجت - مقصود ماده این نیست که کسی یک سهمی را خریده و نصف قیمت وجه سهم را نداده میگویند که شرکتش محقق است نسبت به آن وجهی که هنوز نپرداخته است مقصود اینست که هر شرکتی که در ملکیت منعقد میشود مراد از انعقاد این است که میتواند داخل در معاملات بشود و دولت آنرا شرکت میدانند آن است که سرمایه آن قبول شده باشد والا بدیهی است در صورتیکه سرمایه منعقد نشده باشد و قبول هم نشده باشد ممکن نیست که منعقد شود و عقلاً و نه شرعاً و نه عرفاً این

است که مادامی که وجهی را نداده است شرکت او منعقد نیست حالا اینجا مقصود از اینکه شرکت منعقد نیست نه این است که مراد عدم انعقاد شرکت است نسبت بآن وجهی که بر ذمه بعضی از شرکا است مراد از عدم انعقاد شرکت اینست که دولت او را شرکت نمی‌شناسد مادام که تمام سرمایه او قبول نشده است بعد از این که سرمایه اش را جمع کرد داخل می‌شود در معاملات مقصود این است

حاج وکیل الرعایا - مقصود از این شروع بکار است از طرف قانون در وقتیکه موقع آن رسیده است و آن چند وقت است یک مرتبه میگوید در صورتی که تمام سرمایه حاصل شد یک مرتبه میگوید در صورتی که سه ربع از سرمایه حاضر شد و در یکجا میگویند در صورتیکه نصف سرمایه حاضر شد این نیستش را با اهمیت سرمایه داده است و هیچ نمیتواند آن ایراد را وارد بکند و بتواند مانع از انعقاد شرکت بشود که میگویند باید سرمایه جمع شود و مخلوط بشود به شرکت هم نسبت همان سرمایه که جمع شده است منعقد میشود در اضافه بر آن شرکت بعمل نیاید و منعقد نمیشود.

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - بنده عرض میکنم این قید بطلان اصطلاحی است که در قوانین خارجه هست - حاصلش این است لفظ قید بطلان را بردارید عوضش بگذارید و الا باطل خواهد شد مقصود از این دو ماده این است که هرگاه معین کردند و اعلان کردند که کلیه سرمایه این شرکت فلان قدر است اگر تمام آن سرمایه قبول شده است آن شرکت منعقد شده است و اگر قبول نشده است قید بطلان حالا میآید عوض قید بطلان چه گذاشتیم و الا باطل خواهد شد آن وقت عبارت اینطور میشود اگر تمام سرمایه قبول نشده است باطل خواهد شد

رئیس - ماده ۴۴ بنده در کمسیون اصلاح شود چون آن عبارت اینجا هم هست آن وقت هر طور که آنجا اصلاح شد اینجا هم اصلاح میشود حالا مذاکره در این ماده کافی است ماده ۴۵ را بخوانید (ماده ۴۵ از طرح قانونی بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۴۵ - حصه جنسی باید بتوسط مدیر آن شرکت تقویم شده و بقید بطلان تصدیق مجلس دارنده گان سهام برسد (کمسیون عیناً تصویب کرده بود).

بهجت - قید بطلان در اینجا معنیش چه چیز است.
افتخار الواعظین - یعنی اگر آن حصه جنسی را تقویم نکرده باشند که تصدیق دارند گان سهام برسد باطل خواهد بود یعنی در این صورت هم شرکت منعقد نمیشود.

بهجت - یقیناً معنا این نیست که فرمودید بجهت این که ممکن است تمام شرکا سهام خود را که قبول کرده اند وجهش را پرداخته باشند آن وقت یک نفر مختصر سهم جنسی را قبول کرده باشد و باین ترتیب عمل نکرده باشد این اسباب نمیشود که شرکت بهم بخورد بواسطه این یک سهم جنسی مختصر.

افتخار الواعظین - خواهش میکنم که آن جزء از ماده ۴۵ را که الان خواندیم ملاحظه بفرمایند کنونیه است مگر حصه جنسی که باید قبل از تشکیل

شرکت تماماً تصرف داده شده باشد پس وقتی که حصه جنسی باین ترتیب عمل نشده است آنوقت شرکت رسماً منقذ نشده است.

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)
رئیس - ماده ۷ را بخوانید.
(ماده ۷ طرح قانونی که کمیسیون عیناً تصویب کرده بود بعبارت ذیل قرائت شد.)

ماده ۷ - در مجلس اساسی صورت تقویم مدیران شرکت پیشنهاد میشود. چند نفر به تصویب مجلس برای رسیدگی بتقویم جنسی معین میشوند. مقومین پس از رسیدگی راپورت کتبی بمجلسی که در آنوقت منعقد خواهد شد میدهند. مجلس پس از قرائت راپورتی که طبع و توزیع شده است رأی خود را میدهد و میتواند مجدداً حکم بتقویم نماید راپورت فوق باید اقلاً سه روز قبل از اجلاس ثانوی دارندگان سهام در دفتر شرکت حاضر باشد که هر کس می خواهد رجوع نماید.

حاجو کیل رعایا هر کس راجع بآن اشخاص معنی است که قانون بآنها حق داده است اگر مقصود این است شخص اجنبی هم برود آنجا و دخالت بکنند این مخالف با قانون تجارتی است.
رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد)
رئیس - ماده ۸ را بخوانید.

(طرح قانونی) ماده ۸ - برای صحت تشکیل شرکت مدیران شرکت باید در وزارت تجارت در حضور پنج نفر از تجار معتبر شهر اظهار نمایند که تمام سرمایه قبول و موافق ماده ۵ تأدیبه شده است صورتی از شرکت را بصورتی از او جوه تأدیبه شده باضماف شرکت نامه مصدق بوزارت تجارت و پنج نفر شاهد ارائه میشود اظهارنامه که حاوی تمام این مطالب باشد بقیه بطلان باید سه نسخه نوشته شده بامضای وزیر تجارت و پنج نفر شاهد برسد یک نسخه در دفتر وزارت تجارت و یک نسخه در مرکز شرکت و یک نسخه دیگر در وزارت عدلیه ضبط شود و بپس از این سه نسخه باید نسخه از مجلس سهامداریان حصه جنسی منضم باشد.

(کمیسیون عیناً تصویب کرده بود.)
رئیس - در این ماده مخالفی هست (اظهار نشد)
رئیس - ماده ۹ را بخوانید.
(بعبارت ذیل قرائت شد.)

طرح قانونی ماده ۹ - در ولایات مراتبی که راجع بوزارت تجارت است در نزد حاکم بعمل آمده و اظهارنامه بچهار نسخه نوشته میشود که یکی از آنها در دفتر حکومت ضبط و باقی موافق ماده فوق بجهای لازم داده شود و اگر شرکت در شهرهای متعدد شعبه دارد برای هر یک از آنها یک نسخه اظهارنامه و یک نسخه تصدیق مجلس سهام نوشته شده بکومت محلیه فرستاده میشود کدر دفتر ضبط شود.

رئیس - مخالفی هست؟
ارباب کیخسرو - اینجا در ولایات رجوع کرده اند بجا که در صورتیکه در ولایات نماینده وزارت تجارت باشد چگونه بجا حکم رجوع میشود و سزاوار این است که بخود نماینده وزارت تجارت رجوع شود
افتخار الواعظین - در مقدمه آن قانونیکه نوشته شده و پیشنهاد شده است اگر ملاحظه بفرمایند آنجا نوشته شده است و در ولایات مادامی که نظر

حکومت دخیل است که نماینده وزارت تجارت در آنجا نباشد بعد از آنکه نماینده وزارت تجارت بولایات هم فرستاده شد آنوقت کله حکومت را بر میدارند و نماینده وزارت تجارت بجای آن گذاشته میشود.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - این کافی نیست بجهت اینکه فرضاً این قانون گذشت رد بکلیت ولایت نماینده وزارت تجارت نمود بعد از یکسال که نماینده وزارت تجارت رفت آنجا آنوقت حاکم میتواند این قانون را مستمسک بکند و بگوید تو چکاره پس باید آنجا قید شود که در جاهاییکه نماینده وزارت تجارت نیست آنجا با حاکم باشد باید این قید بشود
رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) ماده ۱۰ را بخوانید.

طرح قانونی ماده ۱۰ - اظهارنامه و تصدیق حصه جنسی باید موافق ماده ۴۱ اعلان شود کمیسیون عیناً تصویب کرده بود.

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) ماده ۱۱ را بخوانید.

طرح قانونی ماده ۱۱ - اسنادیکه موافق ماده ۴۸ و ۴۹ در جاهای لازم ضبط شده است هر کس حق دارد برای ارائه آن بجای مزبور رجوع نماید (کمیسیون عیناً تصویب کرده است)

رئیس - مخالفی نیست؟

ارباب کیخسرو - بنده هیچ معنی لفظ هر کس را اینجا نفهمم یعنی هر کس بخواهد یا اینکه کسانی که حق دارند اگر مقصود کسانی است که حق دارند باید واضح نوشته شود و الا هر کس بخواهد حق دارد برای ارائه آنجا رجوع نماید مثل این است که هر کس حق دخالت در شرکت دارد و این چیز غریبی است توضیح بدهند که مرادشان چیست.

افتخار الواعظین - مراد کسانی است که در شرکت مداخله دارند و در کمیسیون هم توضیح داده خواهد شد.

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) ماده ۱۲ را بخوانید.

طرح قانونی ماده ۱۲ - علاوه بر شرایطی که برای صحت تشکیل شرکت ذکر شد باید مجلس دارندگان سهام هیئتی موسوم به هیئت ناظره که عده آن از سه نفر کمتر نباشد از میان شرکاء غیر مسئول منتخب نمایند هیئت مزبوره که هر سال تجدید انتخاب میشود موافق موادیکه خواهد آمد ناظر اعمال مدیران شرکت و حافظ منافع شرکت است (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود)

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)

رئیس - چون ظهر نزدیک است بقیه شورانین طرح قانونی میباید برای جلسه آتی - راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی را بخوانید.
(بعبارت ذیل قرائت شد)

آقای حاج شیخعلی نماینده خراسان بمجلس مقدس شورای ملی عریضه دو ماه مرخصی تقدیم نموده و در کمیسیون عرایض و مرخصی مطرح شور گردید با اکثریت رد شد و تصویب نگردید.

رئیس - رای میگیریم بر راپورت کمیسیون

عرایض و مرخصی که تصویب نکرده است مرخصی ایشان را - آقایانیکه موافقت راپورت یعنی تصویب نمیکند مرخصی ایشان را قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - راپورت کمیسیون تصویب شد یعنی مرخصی ایشان را تصویب نکردند و رد شد - آقای ذکاء الملک از عضویت کمیسیون بوجه استعفا کرده بودند آقای اعتصام الملک با اکثریت ۱۴ رأی بجای ایشان انتخاب شد طرح آقای عز الملک چندی قبل گویا اینجا مذاکره شده بوده و قرار شده بوده است که برود بکمیسیون تفسیر لکن صحیح نبوده است باید قبل از آنکه برود بکمیسیون تفسیر اینجا قابل توجه بشود اگر قابل توجه شد میروند بکمیسیون این است که جزء دستور جلسه آینده میگذاریم دستور جلسه آتی بقیه شور دو طرح قانونی شرکاء را در راپورت کمیسیون بوجه راجع بآیت الله زاده طهرانی در دستور مخالفی هست.

مهرزاد الملک - طرح بنده چه میشود.

رئیس - طرح جنابانی هم رجوع میشود به کمیسیون مبتکران - طرحی است که آقای مهرزاد الملک پیشنهاد کرده اند در خصوص نظارت وزارت مالیه ببنده ها (در این موقع که ده دقیقه قبل از ظهر است رئیس حرکت کرده مجلس ختم شد)

جلسه ۲۷۱۴
صورت مشروح روز پنجشنبه
شانزدهم رجب ۱۳۲۹

آقای مؤتمن الملک رئیس سه ساعت و نیم قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس و سه ساعت و ربع قبل از ظهر مجلس را افتتاح فرمودند آقا میرزا رضا خان نائینی صورت جلسه قبل را قرائت نمودند و اسامی غائبین جلسه قبل بقرار ذیل در ضمن صورت مجلس قرائت شد.

آقایان حاج امام جمعه - ناصر الاسلام - دکتر اسماعیل خان - ادیب التجار - آقا شیخ حسین یزدی بدون اجازه غائب بودند و آقایان آقامیرزا ابراهیم خا - طباطبائی - حاج آقا - لواء الدوله - حاج شیخ الرئیس - آقا سید حسن کزازی - حاج سید ابراهیم با اجازه غائب بودند - آقا میرزا یونس پنجاه دقیقه - آقا میرزا ابراهیم قی چهل و پنج دقیقه - آقای بهجت چهل دقیقه - و آقایان مشیرحضور و ذکاء الملک هریک نیم ساعت بعد از وقت مقرر حاضر شده اند.

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی نبود صورت مجلس تصویب شد دستور امروز شور در بقیه قانون شرکت های تجارتی راپورت کمیسیون بوجه راجع بآیت الله زاده طهرانی رای در قابل توجه بودن طرح آقای عز الملک.

عز الملک - چون بعضی از آقایان طرح بنده را مخالف با اصل سی و دوم قانون اساسی می دانند تصور میکنم آن را رد بفرمایند باین جهت تقاضا میکنم که اول اصل ۳۲ قانون اساسی رجوع شود بکمیسیون تفسیر و پس از آن که راپورت

کمیسیون تفسیر بمجلس آمد آنوقت رای در قابل توجه بودن طرح بنده بگیرند.

رئیس - توضیح این اظهار اینجا نبود وقتیکه طرح جنابانی مطرح میشد میبایست این اظهار را بفرمایند حالا شروع میشود بقانون شرکت ها از ماده پنجاه و سه (ماده ۵۳ از طرح قانونی بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۵۳ - مواد ۳۸ الی ۴۲ و ۴۴ الی ۵۲ اساسی است یعنی هر کدام از این شرائط رعایت نشود شرکت تشکیل نشده محسوب میشود و اگر از این بابت ضرری بشرکاء یا اشخاص خارج متصور است خسارت وارده برعهده مدیران شرکت و اشخاصیکه در این امر مسئول هستند خواهند بود (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود)
رئیس - در این ماده مخالفی هست (اظهاری نشد)
رئیس - مخالفی نیست

ماده ۵۴ - مدیران شرکت برای مسکن معینی از میان شرکاء مسئول بانتخاب معین میشوند.

(۲) - راپورت کمیسیون - کمیسیون عیناً تصویب کرده است.)

رئیس - مخالفی نیست. (اظهاری نشد) ماده ۵۵ را بخوانید.

ماده ۵۵ - هیئت ناظر پس از انتخاب هر چه زود تر منعقد شده و در شرائط تشکیل شرکت رسیدگی کرد اگر بعضی از آن ها رعایت نشده است مدیران را ملحق این امر نموده و در صورت امتناع یا سامعه آن ها مجلس صاحبان سهام را منعقد و مراتب را اطلاع میدهند در صورت تخلف اعضای هیئت ناظره یا مدیران شرکت در تأدیبه وجه خسارت شرکت خواهند بود - (راپورت کمیسیون کمیسیون عیناً تصویب کرده بود.)

رئیس - مخالفی نیست در این ماده (اظهاری نشد)
رئیس - ماده ۵۶ را بخوانید.

ماده ۵۶ - هیئت ناظره تقبیل و ناظر اعمال و رفتار مدیران شرکت است و از این جهت حق دارد که بدفاتر و صندوق و اسناد و نوشتهجات شرکت رسیدگی کرده هر نوع اطلاعی که لازم است از مدیران شرکت مطالبه بنماید.

(راپورت کمیسیون - کمیسیون عیناً تصویب کرده بود.)

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد) ماده ۵۷ قرائت میشود.

ماده ۵۷ - در آخر سال مدیران شرکت راپورت مشروعی از معاملات و وضع شرکت و اتفاقاتی که روی داده و نیز جمع و خرج و عایدات و مطالبات و قروض شرکت را نموده و همچنین طرز تقسیم قسمت ناهمه و بهره را بطرز صحیح تعیین و اصلاحات یا اقداماتیکه برای پیشرفت امور شرکت صلاح میدانند پیشنهاد مجلس دارندگان سهام خواهند کرد و نیز در آخر هر سال صورتی از دارائی شرکت ترتیب خواهند داد (راپورت کمیسیون عیناً تصویب نکرده بود).

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)
رئیس - آقای حاج شیخعلی اصلاهی پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (اصلاح بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم باین عبارت نوشته شود -

در آخر هر سال مدیران شرکت باید راپورت مشروعی از جمع و خرج و عایدات و مطالبات و قروض شرکت بجزء و همچنین از وضع شرکت و اتفاقاتی که روی داده و طرز تقسیم قسمت ناهمه را بطور وضوح و اقداماتیکه برای پیشرفت امور شرکت صلاح میدانند بصورت دارائی شرکت ترتیب دهد در ظرف دو ماه اول سال بعد پیشنهاد مجلس دارندگان سهام بنمایند.

رئیس - کمیسیون در این اصلاح چه میگوید.

افتخار الواعظین - بنده گمان میکنم این عین آن ماده است که در کمیسیون تصویب شده چیزیکه زیاد شده است دو ماه از سال بعد زیاد شده است چیز دیگری زیاد نشده است.

حاج شیخعلی خراسانی - همینطوری که فرمودید فقط يك نفي عبارتی شده همینطوری که فرمودند چون محدود نشده است که تا چه وقت پیشنهاد مجلس اساسی بکنند باینجهت بنده این را پیشنهاد کردم که در ظرف دو ماه از سال بعد پیشنهاد مجلس دارندگان سهام بکنند و یکی دیگر هم چون لفظ باید نداشت و مثل این بود که مختارند که این کار را بکنند یا نکنند باینجهت بنده لفظ باید را اضافه کردم گویا ضرری هم نداشته باشد.

رئیس - رای میگیریم در اصلاح آقای حاج شیخعلی آقایانیکه باین اصلاح موافقت و این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد ماده ۵۸ را بخوانید

ماده ۵۸ - هیئت ناظره در آخر هر سال راپورتی بمجلس دارندگان سهام داده اگر در مطالب اظهاریه مدیران یا در باب جمع و خرج عایدات شرکت و تقسیم منافع ایرادی دارند تعیین کرده و اگر از طرف مدیران قصوری بعمل آمده است و همچنین کلیه حیوای شرکت را در راپورت مزبور اظهار خواهند کرد.

(راپورت کمیسیون - کمیسیون عیناً تصویب کرده است.)

رئیس - مخالفی هست؟ (اظهاری نشد)
رئیس - ماده ۶۰ را بخوانید.

ماده ۶۰ - مجلس صاحبان سهام بر سه قسم است اساسی معموله فوق العاده مجلس اساسی درینو تشکیل شرکت برای رسیدگی و شرایط صحت آن و برای انتخاب اعضاء هیئت ناظره و تقویم حصه جنسی منعقد میشود مجلس معموله فقط سالی چند مرتبه موافق قرارداد شرکتنامه که نباید از دو مرتبه کمتر باشد برای استماع راپورت مدیران و هیئت ناظره منعقد می شود مجلس فوق العاده را موافقی است که هیئت ناظره لازم میداند یا در مواقعی است که شرکتنامه معین کرده است (کمیسیون عیناً تصویب کرده است.)

رئیس - در این ماده هم مخالفی نیست ماده شصت و یک را بخوانید.

ماده ۶۱ - در مجلس اساسی برای مذاکره و رای گرفتن و نصف عده دارندگان سهام است که

دارای نصف سرمایه باشند در مجلس معموله و فوق العاده عده کافی بسته بقرارداد است کدر نظامنامه شرکت قید شده است.

راپورت کمیسیون - ماده ۶۱ - در مجلس اساسی عده کافی برای مذاکره و رای گرفتن باید نصف علاوه بکاز دارندگان سهام باشد که دارای نصف سرمایه باشند.

رئیس - مخالفی هست؟

محمد هاشم میرزا - بنده بنده عبارت قدری مجمل است و باید قدری واضعتر نوشته شود چون دو نصاب برای این مجلس معین کرده است یکی آنکه نصف علاوه بک از دارندگان سهام باشد یکی آنکه دارای نصف سرمایه باشند و این يك مقصود صحیح بسیار خوب است لکن عبارت قدری مجمل است واضعتر باید نوشته شود.

ارباب کیخسرو - این ماده هیچ کافی نیست بجهت اینکه میگوید نصف عده شرکاء دارای نصف سرمایه باشند و شاید همچو چیزی نباشد و ممکن هم نشود که عده دارندگان سهام را که نصف کنند آن نصف دارای نصف صحیح سرمایه باشند بسا میشود که يك شرک دارای ده سهم است و يك شرک دارای نیم سهم است و هیچ ممکن نیست که وقتی عده دارندگان سهام را نصف می کنند نصف سرمایه دریابید علاوه فرض میکنم که تمام دارندگان سهام هریک يك سهم دارند یعنی يك سهم مساوی و وقتی که آن را نصف کردیم نصف سرمایه در میآید باز در اینصورت هم درست نمیشود بجهت این که اینجا نوشته است نصف علاوه بک از دارندگان سهام پس باز یکسهم بیشتر از نصف میشود و این مخالف است باصل مقصود.

افتخار الواعظین - اینجا نظر کمیسیون به دو چیز است در این اصلاح یکی این که نصف عده شرکاء علاوه بکنند جمع شوند تا این است که رأی آن ها فایده داشته باشد و اثری بآن رأی مترتب باشد و اما در باب سرمایه راپورت کمیسیون نمی گوید که تمام این نصف علاوه بک نصف صحیح سرمایه را داشته باشند و اگر عده تومان اضافه از نصف سرمایه باده سهم علاوه بشود برای این که ده تومان علاوه از نصف سرمایه دارندگان سهام دارند نمیتوانند مجلس را منعقد کنند مقصود این است که باید اقلاً نصف علاوه بک نصف سرمایه داشته باشند این که اگر بیشتر داشتند مضر است و مانع از انعقاد مجلس می شود اما در کمتر از نصف سهام یعنی نصف عده دارندگان سهام علاوه بک که جمع بشوند اگر سهامی که دارند کمتر از نصف سرمایه شد کمیسیون در آن صورت رأی آن ها را مناط اعتبار نمیداند لکن اگر بیشتر از نصف سهام در دست آن ها بود این ضرری ندارد و معلوم است در اینصورت اثری برای آن ها مترتب خواهد بود.

حاج آقا - بیانی که مخیر در توضیح این ماده کردند هیچ کافی در توضیح نیست بواسطه این که اگر چه مقصود کمیسیون را توضیح کردند لکن این عبارت ابتدا این مقصود را نمی فهماند و اگر کسی هم ملتفت شود بعد از بیان مخیر این مطلب فهمیده می شود این ماده اینطور می فهماند که نظر بر زیاد تر بودن سرمایه نیست نظر بر کمتر بودن سرمایه است چون

ممکن است که نصف شرکاء بملاء يك جمع شوند و دارای نصف سرمایه میباشند اسهام آن ها کمتر باشد و در آن موقع این ماده همچو میرساند که نصف دارندگان اسهام که دارای نصف سرمایه باشند و این را عبارت نمیرساند این ظاهر نمیکند که این عده که نصف دارندگان سهام هستند که آنان حاضر شده اند در مجلس مشاوره دارای نصف سهام باشند پس باید يك عبارتیکه واضعتر باشد نوشته شود و علاوه بر این بنده عقیده ام اینست که در مجلس اساسی عده برای اخذ رأی نصف بملاء يك کافی نیست بجهت اینکه اوضاع شرکت هارا خصوص در ایران اگر ملاحظه کنیم و نظراتی که اشخاص با اطلاع دارند در خصوص شرکتها اگر ملاحظه کنیم تولید بعضی مطالب میکنند که بآن ملاحظاتی نمیتوانیم نصف بملاء يك را کافی در مذاکرات اساسی بدانیم که پس از آن که نصف بملاء يك حاضر شده اند داخل در مذاکرات بشوند و رأی بدهند باینجهت عقیده بنده اینست که باید دولت از دارندگان سهام که حاضر شدند بتوانند داخل مذاکره شوند و سه ربع که حاضر شدند بتوانند اخذ رأی نمایند و مطابق همین عقیده ام هم پیشنهادی کرده ام تقاضا میکنم قرائت شود و رأی بگیرند .

افتخار الواعظین - بنده خیلی تعجب می کنم که مبرماید آن مقصودی را که بنده توضیح دادم از این ماده مفهوم نمیشود اینجا میروید در مجلس اساسی عده کافی برای مذاکره و رأی گرفتن نصف بملاء يك عده دارندگان سهام است که دارای نصف سرمایه باشند پس عده این اشخاص نباید کمتر از نصف بملاء يك باشد و آنها هم باید اشخاصی باشند که اقلاً نصف سهام سرمایه در دست آنها باشد اگر سهامی که در دست آنها است کمتر از نصف سرمایه باشد ایداً انری برای آنها مرتب نمیشود یعنی باوجود آنها مجلس اساسی منعقد نخواهد شد ولی اگر بیشتر دارا باشند یعنی بیشتر از نصف سرمایه شرکت سهام در دست آنها باشد هیچ ضرری نخواهد داشت و این عبارت هم کافی است بقیه بنده و تعجب میکنم از اینکه مبرماید کافی نیست و می فرمایند نصف بملاء يك را کم میدانم از برای شروع در مذاکره و اخذ رأی متوجه میکنم خاطر آقای حاج آقا و استدعا میکنم عرض بنده را گوش بدهند اینجا شرکت معتدله سهامی است بسامیشود که سرمایه يك كرور باشد و در میان صد هزار نفر سهامش یراکنه شود در این صورت چطور میتوانند سه ربع از صاحبان سهام را در یک جا حاضر کنند و يك مجلسی منعقد بکنند که آنها در انعقاد شرکت همراهی کنند و تصور نمیکند که آن مجلس از مجلس شورای ملی که زمام دار امور مملکت است مهمتر باشد بجهت اینکه مجلس شورای ملی بحکم قانون هروقت نصف بملاء يك از اعضایش حاضر شدند مجلس منعقد میشود و ایشان برای اساس يك شرکت نصف بملاء يك را کافی نمیدانند خیلی جای تعجب است .

حاج شیخعلی خراسانی - این اشکالی را که مخبر در خصوص جمع شدن اعضای شرکت فرمودند صحیح است اما نظرشان را ماطرف میکنم

این نقطه که ما میگوئیم نصف از عده کسانی که دارای نصف سهام باشند یعنی کسانی که دارای ربع سرمایه هستند حاضر باشند از این عبارتی که اینجا نوشته شده است چنین مفهوم میشود که نصف عده کسانی که سرمایه را داشته باشند اگر حاضر شدند و رأی بدهند رأی آن ها کافی خواهد بود یعنی کسانی که ربع سرمایه را داشته باشند آن وقت اساس يك شرکتی دائر مدار يك ربع شرکاء میشود اگر این صحیح است که بنده هم حرفی ندارم و تصدیق میکنم و يك مطلب دیگری هم بود که بنده آن را هم يك پیشنهادی کرده ام آنرا هم عرض میکنم به بینم آقای مخبر توضیحات بنده را قبول میفرمایند یا رد میکنند تا اینکه بعد پیشنهاد میکنم و آن اینست که هر آن عده که معلوم شد بجهت مجلس اساسی اگر از ربع سرمایه بقدر لازم یعنی بقدر نصف کل سرمایه را که قید کرده اند در مرکز شرکت حاضر نبوده چه باید کرد زیرا ممکن است يك شرکتی مثلا در طهران تشکیل شود يك ربع از دارندگان سهام در طهران باشند و باقی سهام در اطراف ولایات منتشر شود آن وقت وقتیکه بخواهند مجلس اساسی را تشکیل بکنند چه خواهند کرد این است که بنده پیشنهاد کردم که بتوانند دارندگان سهام از طرف خودشان دیگری را وکیل کنند تا اینکه مذاکره تعطیل نماند .

رئیس - گویا مذاکرات کافی است چندفره صلاح است که پیشنهاد شده قرائت میشود و رأی بگیریم اصلاح آقای زنجانی است خوانده میشود (ببابت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده شصت و یکم چنین نوشته میشود .

در مجلس اساسی عده کافی برای مذاکره و اخذ رأی نصف شرکاء بملاء يك بکنند است که سرمایه آن ها کمتر از نصف سرمایه شرکت نباشد .

افتخار الواعظین - سرمایه آن ها کمتر از نصف سرمایه شرکت نباشد یعنی سهام آن ها کمتر از نصف سرمایه نباشد لازم است توضیح بدهند که مقصودشان چیست .

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - چون که شرط شده است در تشکیل این مجلس اساسی این ماده میفرماید که هرگاه عده از نصف دارندگان سهام کمتر است ولی سرمایه شان یعنی سهامی که در دست دارند کمتر از نصف سرمایه شرکت است این کافی نیست یا این که عده شان بقدر نصف دارندگان سهام است لکن سهامی که در دست دارند کمتر از نصف سرمایه شرکت است آن هم کافی نیست پس چرا کافی دانسته این است که عده شان بقدر نصف بملاء يك نفر باشد و سهامی هم که در دست دارند نصف سرمایه شرکت باشد پس باید که شرط موجود باشد یکی اینکه نصف بملاء يك حاضر باشند یکی آن که نصف سرمایه شرکت سهام درست آن ها باشد یعنی سرمایه این اشخاص زیاده از نصف سرمایه شرکت نباشد .

افتخار الواعظین - این فرمایش آفام عین مقصود کمیسیون است حالا اگر عبارت توضیحی لازم دارد ممکن است از برای شور دوم عبارت اصلاح شود .

و رئیس - پس رأی لازم نیست بگیریم اصلاح حاج شیخ علی خراسانی خوانده می شود (ببابت ذیل قرائت شد) و هرگاه نصف عده دارای نصف سهام شرکت باشند میتوانند در مجلس حاضر شوند میتواند وکیل قائم مقام خود نمایند .

رئیس - کمیسیون در این اصلاح چه میگوید .

افتخار الواعظین - بنده برای كسب تكلیف خودم خواستم سؤال كنم كه اگر قبول كردن کمیسیون را کافی میدانند در قابل توجه بودن این پیشنهاد ها رأی نخواهند گرفت بنده تقاضا میکنم که به کمیسیون برگردد تا دقتی بشود .

رئیس - پس تقاضا می کنید به کمیسیون برگردد .

افتخار الواعظین - بله تقاضا میکنم برگردد بکمیسیون .

رئیس - پیشنهاد آقای حاج آقا را بخوانید (ببابت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که جزء اول پیشنهاد اینطور نوشته شود در مجلس اساسی عده كسانی برای مذاکره و رأی گرفتن دو ثلث اعضا شرطی که اقلاً دارای نصف سرمایه باشند .

حاج آقا - چون مخبر بعضی فرمایشات فرمودند این است که بنده تکرار میکنم که لازم بدانیم دولت از اعضا حاضر باشند برای آن که با دین اخلاق و اطوار خودمان و ترتیباتی که ما دیدیم در شرکت و هر هیئت اجتماعی لازم میدانم که ما با ملاحظه ترتیبات اساس کار را کرده باشیم و ملتفت باشیم برای این که از برای استحکام اساسی شرکت چه چیز لازم است عده چیزی که لازم است آراء اعضاء مجلس است و مدخلیت داشتن آن ها در مذاکره است لهذا دولت از دارندگان سهام شرکت در مذاکره حاضر باشند تا اینکه اساس شرکت مستحکم و مذاکرات طرف اطمینان باشد این که مخبر فرمودند چطور میشود در مجلس شورای ملی نصف بملاء يك کافی است گمان میکنم که اشتباه فرمودند و برای تذکر حاضر ایشان این اصل مقدم قانون اساسی را نمیخوانم که نوشته شده در موقع مذاکره اقلاً دولت اعضاء باید حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی سه ربع نه نصف بملاء يك و آن برای افتتاح مجلس است و اینکه فرمودند چطور میشود وقتی که اعضایشان خیلی زیاد شد چطور آن مجلس منعقد میشود و چطور میشود که دولت از اعضاء را حاضر کنند این اشکال در نصف بملاء يك هست و همین طور که نصف بملاء يك را حاضر میکنند همان قسم دولت را حاضر کنند اینهم اشکالی ندارد اگر حاضر نباشند در مرکز یا وکیلشان را حاضر میکنند یا اینکه ایشان را بدیگری مبدهند این چندان اشکالی نمیتواند باشد .

رئیس - کمیسیون قبول دارد این اصلاح را یا خیر .

افتخار الواعظین - این چون شرکت محدود سهامی است ممکن است سهام این منتشر شود بآن پنج هزار نفوس در این صورت چطور میشود دو ثلث از اعضاء در مجلس اساسی حاضر شوند و حاضر کردن نصف بملاء يك خیلی آسان تر است از حاضر کردن دولت باین جهت کمیسیون نمیتواند قبول کند

رئیس - رأی بگیریم بقبال توجه بودن

این چیزهایی که بعنوان مقدمه نوشته شده است در

پیشنهاد آقای حاج آقا آقایانیکه این پیشنهاد را بطوریکه خوانده شد قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه ندانستند و رد شد ماده شصت و دو را بخوانید (ببابت ذیل قرائت شد) ماده ۶۲ - سهامی که وجه آن تماماً تأدیه نشده است باید زمان پرداخت کلیه وجوه اسمی و دارای علامت چاپی مخصوصی باشد .

رایورت کمیسیون - ماده ۶۲ عیناً تصویب شد

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - ماده ۶۳ خوانده میشود (ببابت ذیل خوانده شد)

ماده ۶۳ - اگر صاحب سهمی که وجه آن تماماً پرداخته نشده است سهم خود را بدیگری انتقال دهد و باقی مانده وجه را از سهم اولی و متقبل علیهم می توان مطالبه کرد و سهم اولی حق دارد بعد از تأدیه متقبل علیه رجوع کرده دریافت دارد و همچنین هر متقبل علیهم پس از ادای وجه خود میتواند از متقبل علیه دیگر وجه را دریافت دارد .

پیشنهاد کمیسیون - ماده ۶۳ اگر صاحب سهمی که وجه آن تماماً پرداخته نشده است سهم خود را بدیگری انتقال دهد باقی مانده وجه را میتواند متقبل علیه مطالبه نماید و همچنین هر متقبل علیهم پس از ادای وجه خود از متقبل علیه دیگر وجه را دریافت نماید

رئیس - در ماده ۶۳ پیشنهاد کمیسیون مخالفی هست (اظهاری نشد)

رئیس - ماده ۶۴ را بخوانید (ببابت ذیل قرائت شد)

ماده ۶۴ - مدیران شرکت نمیتوانند طرف معامله با شرکت واقع شوند مگر در معاملاتی که عیناً و بطور مزایده بعمل می آید (رایورت کمیسیون عیناً تصویب شد)

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)

رئیس - فصل چهارم خوانده میشود .

(ببابت ذیل قرائت شد .)

فصل چهارم شرکت محدود سهامی .

ماده ۶۵ - در شرکت سهامی محدود تمام سرمایه بوسیله سهام تحصیل میشود و مسئولیت هر يك از شرکاء محدود به سهمی است که در شرکت دارد (رایورت کمیسیون)

فصل چهارم شرکت محدود سهامی ماده ۶۵

بنتوان مقدمه نوشته شود انعقاد این شرکت نسبت به بريك بگرفتن سهم و دادن مبلغ خواهد بود .

رئیس - مخالفی هست .

بهجت - در فصل سابق عرض کردم که کلیه این مسائلی که در اینجا ذکر شده است عیناً مطابقی است که باید در ضمن مواد نوشته شود این که در ضمن مقدمه ذکر کرده اند علت آنرا بنده نمیفهمم خوب است توضیح اگر دارند بفرمایند چون اگر توضیح است بعنوان تبصره باید نوشته شود و اگر جزء مطالب اساسی است بعنوان مواد باید نوشته شود و اگر جزء مطالب اساسی است بعنوان مواد باید نوشته شود حالا توضیحی اگر دارند بفرمایند .

افتخار الواعظین - همان مشکلی که فرمودند این چیزهایی که بعنوان مقدمه نوشته شده است در

این چیزهایی که بعنوان مقدمه نوشته شده است در

شور دوم ماده بندی خواهد شد جزء مواد قرار داده میشود .

رئیس - مذاکره در این ماده گویا کافی است ماده ۶۶ را بخوانید (ببابت ذیل قرائت شد) ماده ۶۶ - چون در شرکت محدود سهامی هیچیک از شرکاء امتیاز و مسئولیتی بیش از سایرین ندارد اداره آن شرکت اختصاص بچند نفر ندارد و مدیران شرکت چنانچه ذکر خواهد شد از میان شرکاء مجلس دارندگان سهام می شود (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود)

رئیس - مخالفی در ماده (۶۶) هست (اظهاری نشد) (ماده ۶۷ ببابت ذیل قرائت شد)

ماده ۶۷ - ترتیب شرکت نامه و ایاقی شرایط صحت تشکیل شرکت و اقداماتی که در مواد ذیل مینمیشود بر عهده مؤسس است ولی مؤسسان است ولی مؤسسان هیچوجه بر دیگران امتیازی ندارند مجلس دارندگان سهام هر کسی را صلاح دانند بسمت مدیری معین میکنند (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود)

رئیس - مخالفی در این ماده هست (اظهاری نشد)

(ماده هفتادم ببابت ذیل قرائت شد)

ماده ۷۰ - مدیران شرکت باید بقدر صدی دو از سرمایه شرکت دارای سهام باشند در صورتیکه سرمایه ازدو کرور بیشتر نباشد از دو کرور بیلا صدی يك کافی است .

(کمیسیون ماده مزبور را ببابت ذیل اصلاح کرده بود)

ماده ۷۰ - در این ماده ذکر شود مدیران مدیران کل شرکت باید بريك بقدر الی آخر .

بهجت - لازم است آقای مخبر توضیح بفرمایند و علت فلسفی این ماده را بیان کنند یا بنده عرض میکنم این قید دلیلی فلسفی ندارد

افتخار الواعظین - در آن شرکت مختلفه سهامی در ذیل مواد سابق گذشت که مدیران شرکت باید از شرکاء مشمول معین شود یعنی از کسی که حق مداخله و معامله در شرکت دارند و شرکاء غیر مشمول به چه وجه حق مداخله ندارند فقط وظیفه شان نظارت و تفتیش است اینجا چون تمام شرکاء مسئولیتشان باندازه یکدیگر است که مؤسسان و غیر مؤسسان با هم هیچکدام فرقی ندارند اندازه مسئولیت هر کدام همان اندازه سهمی است که هر یک باندازه مدیریت را از مدیران تمام آن دارند آن سهام معین میکنند از میان مؤسسان و چون استاد تمام در امور شرکت کنند و تمام معاملات شرکت در دست آنها است از جهت طلب از حیث قرض و خرید و فروش برای اینکه بقتدری محل اطمینان شرکت باشند و اهمیت ببقای آنها داده شود این است که شرط میشود که آن اشخاصیکه بدیگری معین میشوند یا اقلاً صدی دو از سرمایه سهام شرکت در دست آنها سهام باشد والا اگر کسی از سهام سرمایه صدی دو دستش نباشد شاید باندازه این اشخاص توجه و دلسوزی نکنند برای اینکه يك امتیاتی بآو داده شود اینطور نوشته شد .

بهجت - ما اولاً باید بفهمیم برای چه مدیر میخواهیم ما مدیر میخواهیم منافع سرمایه را در جریان اندازد و منافعی که از برای شرکاء باشد جلب نماید یعنی منافعی با آن سرمایه توانسته باشیم برای این شرکت تحصیل بکنیم بدیهی است داشتن

این چیزهایی که بعنوان مقدمه نوشته شده است در

افتخار الواعظین - اینجا بنده دو قسم نظامنامه نمیتوانم تصور بکنم نظامنامه یکی است يك نظامنامه اداری هست يك شرکت نامه اما شرکتنامه که معلوم است در مواد سابق گفته شد که باید مصق شود و اعلان شود و چه شود و اگر نشود شرکت تشکیل نخواهد شد ولی نظامنامه اداری باین اندازه مهم نیست و بنده نمیتوانم غیر از نظامنامه داخلی و شرکتنامه يك نظامنامه اساسی دیگری تصور بکنم .

رئیس - رأی بگیریم باصلاح آقای حاج شیخعلی آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - ماده ۶۹ قرائت میشود .

ماده ۶۹ - تمام مواد شرکت مختلفه سهامی در باره شرکت محدود سهامی مجری است مگر شرایطی که مخصوصاً در مواد ذیل تغییر داده میشود (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود)

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد)

(ماده هفتادم ببابت ذیل قرائت شد)

ماده ۷۰ - مدیران شرکت باید بقدر صدی دو از سرمایه شرکت دارای سهام باشند در صورتیکه سرمایه ازدو کرور بیشتر نباشد از دو کرور بیلا صدی يك کافی است .

(کمیسیون ماده مزبور را ببابت ذیل اصلاح کرده بود)

ماده ۷۰ - در این ماده ذکر شود مدیران مدیران کل شرکت باید بريك بقدر الی آخر .

بهجت - لازم است آقای مخبر توضیح بفرمایند و علت فلسفی این ماده را بیان کنند یا بنده عرض میکنم این قید دلیلی فلسفی ندارد

افتخار الواعظین - در آن شرکت مختلفه سهامی در ذیل مواد سابق گذشت که مدیران شرکت باید از شرکاء مشمول معین شود یعنی از کسی که حق مداخله و معامله در شرکت دارند و شرکاء غیر مشمول به چه وجه حق مداخله ندارند فقط وظیفه شان نظارت و تفتیش است اینجا چون تمام شرکاء مسئولیتشان باندازه یکدیگر است که مؤسسان و غیر مؤسسان با هم هیچکدام فرقی ندارند اندازه مسئولیت هر کدام همان اندازه سهمی است که هر یک باندازه مدیریت را از مدیران تمام آن دارند آن سهام معین میکنند از میان مؤسسان و چون استاد تمام در امور شرکت کنند و تمام معاملات شرکت در دست آنها است از جهت طلب از حیث قرض و خرید و فروش برای اینکه بقتدری محل اطمینان شرکت باشند و اهمیت ببقای آنها داده شود این است که شرط میشود که آن اشخاصیکه بدیگری معین میشوند یا اقلاً صدی دو از سرمایه سهام شرکت در دست آنها سهام باشد والا اگر کسی از سهام سرمایه صدی دو دستش نباشد شاید باندازه این اشخاص توجه و دلسوزی نکنند برای اینکه يك امتیاتی بآو داده شود اینطور نوشته شد .

بهجت - ما اولاً باید بفهمیم برای چه مدیر میخواهیم ما مدیر میخواهیم منافع سرمایه را در جریان اندازد و منافعی که از برای شرکاء باشد جلب نماید یعنی منافعی با آن سرمایه توانسته باشیم برای این شرکت تحصیل بکنیم بدیهی است داشتن

صدی دو از سهام شرکت دلیل آن معلومات اداری نخواهد بود فقط يك چيز خواهد بود كه بگوئيم كسانيكه دارای صدی دو از سرمایه هست بیشتر دلسوزی میکنند و خود شركت را در صورتی كه همچو فرض بكنيم ممكن است در معاملات كه میشود احتمال خبط و خطا بدهيم در آن صورت ممكن است از بی علمی او بعضی ضررها عاید شركت شود زیرا ممكن است يك نفر دارای سهام زیاد باشد ولی معلومات نداشته باشد یا امانت درستی نداشته باشد اینجا ضرر بیشتر متوجه شركت میشود یعنی داشتن دارائی زیاد شرط نمیشود ممكن است ما شركتی تشكيل بكنيم و يك نفر از شركاء كه دارای صدی دو نباشد داشته باشیم كه میتواند این اداره را بگرداند بنا بر این تقدیر اگر ما خواستیم این قید را بكنيم بر ضرر تمام شركاء يك شرطی کرده ایم بنده عقیده ام این است كه در مدیریت امانت و دیانت را شرط بكنيم كه تمام سهام شركت را صدی دو بتواند بخرد شاید در میان آنها نباشد بقیه بنده این ضرری است كه بر خودشان وارد میشود چنانچه عرض كردم كه اگر يك نفر آدم عالم كه قابل باشد در میان شركاء برای مدیریت ولی نتواند صدی دو از سهام شركت بخرد در آن صورت چه باید كرد يك بی علمی را باید مدیریت كرد یا باید آن شركت را منحل كرد بنده می بینم كه این ماده كه در این قانون میگردد شاید خیلی از شركت هارا نگذارد منعقد شود .

منتصر السلطان - در این مسئله كه اظهار فرمودند كه اشخاص بی علم و بی اطلاع شاید داخل شركت میشوند اینطور نیست و این فقط نه برای این ملاحظه است كه فقط هر كسی دارای صدی دو از شركت است مدیریت بشود يك نكته دیگر كه میگوید و نویسنده این طرح در نظر داشته است از برای اعتباراتی است كه این شخص داراست خیلی اشخاص هستند كه وقتی كه كاری باو رجوع كردند آن بهتر از دیگری آن كار را اداره میکنند یعنی يك شخص كه عالم است از روی اطلاع و بصیرت كه دارد تمام شركت را ممكن است ببلع بكنند یا بقیه نوشته اند در ماده بعد هم كه سهام مدیران در تروی صندوق ضبط و روی آن عدم انتقال هم چاپ می شود كه حق انتقال به غیر نداشته باشد كه آن اعتبار آن شخصی باشد مسلم است شركتی كه چندین نفر اعضا دارد باید يك مدیریت انتخاب بكنند كه بتواند يك اداره و شركتی را اداره بكد در صورت لزوم يك معاونی برای او معین خواهند كرد خیلی واجب و لازم است كه صدی دو سرمایه داشته باشد كه بتواند بواسطه آن اعتبار بعضی كارها را بكنند .

رئیس - آقایان مذاكرات را كافی نمیدانند ؟ (گفتند كافی است)
رئیس - ماده ۷۱ قرائت میشود .
(ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)
ماده ۷۱ - سهام مدیران شركت تازمانی كه بست خود بر قرارند غیر قابل انتقال است و در صندوق شركت باید ضبط شود و عدم حق انتقال باید در روی آن چاپ شود .
(كمسیون عیناً تصویب کرده بود) .

رئیس - مخالفی هست ؟
حاج شیخعلی - چون اینجا قید می کنند كه باید عدم انتقال روی آن سهام چاپ شود بعد از آنی كه این مدیران از سمت مدیریت افتادند آنوقت اگر بخواهند سهام خود را منتقل كنند بدیگری در صورتی كه روی او عدم انتقال آن چاپ شده است چه باید بكنند مگر اینکه سهام را ببلع بكنند یا بقیه تازم مدیر شده اند والا آنوقت این سهام در دست آنها خواهد ماند و اگر بخواهد انتقال بدهند نمیتوانند .
افتخار الواعظین - همین همان ترتیبی را كه فرمودند خواهند كرد كار دیگری نخواهند كرد .
منتصر السلطان - بله این سهام آن اشخاصيكه مدیر میشوند باید بصدی دو در صندوق شركت بگذارند باشد و روی آن صدی دو عدم حق انتقال ذكر میشود وقتی مدیر تغییر كرد این اشخاص كه دارای صدی دو هستند سهم خود را باو واگذار میکنند و این سهم صدی دو در صندوق توقیف است .

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ ماده ۷۲ قرائت می شود .
ماده ۷۲ - مدیران شركت نمیتوانند طرف معامله با شركت واقع شوند ولو اینکه معامله بطور علنی و مزایده باشد مگر اینکه اجازه مخصوصی از طرف مجلس دارندگان سهام داشته باشند یا وجود این باید در آخر هر سال صورتی از معاملات مزبوره بمجلس دارندگان سهام بدهند (كمسیون عیناً تصویب کرده بود)

رئیس - مخالفی هست ؟
بهجت - بنده میخواستم بدانم در صورتی كه معاملات علنی بطور مزایده باشد چطور است كه مدیران نمیتوانند داخل معاملات شوند .

افتخار الواعظین - در آن شركت مختلفه سهامی گفته شد كه مدیران یعنی اشخاصيكه مدیر میشوند حق طرف شدن با شركت و معامله كردن را ندارند مگر اینکه آن معامله علنی و بطور مزایده باشد و اینجا میگوید اگر چنانچه معامله علنی و بطور مزایده باشد بازم حق ندارند حالا اینجا باید دید كه كنگره اش چه چیز است نكته این این است آنجا كه طرف معامله واقع میشود سایر شركاء هم طرف معامله بودند ولی اینجا چون اظهارند احتمال میدهم كه در آن معامله اسباب چینی كرده باشند اگر چه آن معامله بطور مزایده باشد ولی خود مزایده را با اسباب چینی شكلی فراهم آورده باشند كه اسباب ضرر شركت باشد و در شركت مختلفه سهامی چون دیگران یعنی سایر شركاء مسئول حق مداخله دارند و داخل در كار هستند قلب كمتر میشود ولی اینجا به جزء مدیر کسی دیگر دخالت در معاملات ندارد و در كار شركتی باو نیست ب همین احتمالی كه شاید بتواند در مزایده يك تقلبی بكنند و يك اسبابی فراهم بیاورد اگر چه این معامله ظاهرأ علنی و بطور مزایده است ولی شاید باطنأ اسباب خود شركت بشود باین علت است كه اینجا میگوید حق ندارد طرف معامله بشود ولو اینکه علنی و بطور مزایده باشد مگر اینکه اجازه مخصوصی از شركاء داشته باشد .

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهار می شد)
ماده ۷۳ - مدیران شركت پس از انتخاب مسئول

صحت تشكيل شركت هستند و باید معلوم نمایند كه شرایط مقرر به عمل آمده است یا نه در صورتی كه بعضی از آنها رعایت نشده باشد فوراً انجام داده و اگر انعقاد مجلس سهام لازم است تشكيل داده و مراتب را اظهار نمایند والا هر گونه ضرری كه وارد آید در تأدیة آن با مؤسسين شركت خواهند بود (كمسیون علناً تصویب کرده بود)
آقای سید حسن مدریس - از آقای مغیر توضیح میخواهم كه این مدیران شركت حق علاوه دارند یا ندارند این را توضیح بدهند . این معلوم است و بدیهی است كه از طرف شركاء يك حق برای آنها معین خواهد شد .

رئیس - آقای باب مخالفید ؟
ارباب کیخسرو - بنده اشكالی دارم رفع شد .

(ماده ۷۴ بعبارت ذیل قرائت شد)
ماده ۷۴ - مدیران شركت و هیئت ناظره باید موافق ماده (۵۷) و (۵۸) هر ساله راپورتی بمجلس دارندگان سهام بدهند ولی دارائی شركت باید در رأس هر ششماه معلوم شود (كمسیون عیناً تصویب کرده بود)

حاج شیخعلی - فائده این ماده فقط معلوم كردن سرمایه است در رأس ششماه ولی وظیفه كه برای هیئت مدیره معین شده است این بود كه هر ساله تعیین سرمایه را بكنند و این ششماه بالنسبه بمملكت ما برای تعیین سرمایه خیلی كم است این ماده نباید باشد بهتر است و همان يكسال كافی است بملاحظه اینکه مملكت ما اسباب تجارت و شركش خیلی صعب است نه راه هست نه انبار است زود برسد بخواهند در رأس هر ششماه سرمایه يك شركتی را معین كند خیلی سخت خواهد بود و همان مواد سابق كه يكسال حق داده بود معین كنند كافی است .

افتخار الواعظین - در مواد سابق آن نظر مبارك باشد گفته شد كه هیئت ناظره در سر هر ششماهی يك راپورت اجمالی از کیفیت شركت خواهند داد و در سر سال راپورت تفصیلی هر چه باشد بدهد اینجا هم میگوید كه مدیران شركت و هیئت ناظره مطابق همان مواد باید يك راپورت اجمالی در سر ششماه بدهند و يك راپورت مشروح هم بدهند و علاوه در هر ششماه سرمایه را معین بكنند و راپورت بدهند بنده كه مشغول تجارت نبودم ولی از قراری كه اطلاع دارم گویا تجار معتبر میتوانند روز بروز دارائی تجارتخانه خودشان را معین بكنند و اشكالی نباید داشته باشد .

ارباب کیخسرو - اینجا آقای مغیر يك اشباهی فرمودند و آن این است كه میفرمایند تجار معتبر میتوانند روز بروز دارائی خودشان را معین بكنند بچه وسیله از این مال التجاره بولایات رفته تا صورت فروش این معامله معین نشود برسد و زمان آن معین نشده باشد چگونه میتوانند این حساب را معین كنند این امکان ندارد مگر اینکه در آخر هر سال خلاصه حساب سال گذشته را معین بكنند این امکان ندارد مگر اینکه در آخر هر سال خلاصه

حساب سال گذشته را معین بكنند آنهم نسبت بشركت تجار معتبر در هر سال باید اطلاع بدیند و می نویسند قبل از وقت تا اینکه صورت حساب را بفرستند مثلاً پروا نشان سرت شده است یا قبول بانكول شده است و چه شده است اینرا كه دانستند آنوقت میتوانند راپورت را بدهند والا بدون این ترتیب در رأس هر ششماه گمان نميكنم این حساب معین شود .

محمد هاشم میرزا - بنده تصور میکنم همینقدر كه سال تمام مال را فروش نخواهد رفت و معاملات قطع نخواهد شد پروات وصول ولا وصول معین نخواهد شد همینطور هر كاری كه در آخر هر سال ممكن است برای بدست آوردن میزان معاملات و اندازه منافع و ضرر و سرمایه بكنند همان را در رأس هر ششماه ممكن است نمایند حالا بنده بآن ترتیب كه گفتند مثل همینهم ولی عرض میکنم شركتهای معتبر مثل كمپانی وزیر و همان تجاری كه اینجا هستند و ادارات معتبر دارند ماه بده هفت هفت حساب خودشان میفرستند و گمانم این است كه در يك ماهم بتوانند معین بكنند و ششماه كه خیلی موقعی زیادی است بواسطه دادن راپورت و البته این موقعی كه ما لازم میدانیم برای این است كه حالب توجه عموم بشود و بر اعتبارش افزوده شود كه هر چه مدش كم باشد و زود تر بتوانند دارایان سهام كه طرف معامله با این شركت هستند امورات شركت را بدانند یعنی بر اعتبارش بیشتر خواهد افزود و این تفاوتی نخواهد كرد مگر اینکه يك زمانی خواهد افزود و البته هم اجناس كه در يك جاهائی خواهد بود كه هنوز خبرش نرسیده است ششماه خیلی خوب است و يكسال را زیاد میدانم عرض كردم هر كاری كه در سر سال میکنند در سر ششماه ممكن خواهد بود (ماده ۷۵ باین مضمون قرائت شد)

ماده (۷۵) در صورتی كه نصف سرمایه سوخت شود مدیران شركت باید بمجلس دارندگان سهام را منعقد نموده مراتب را اطلاع و معلوم نمایند كه شركت باید فسخ شود یا نه و در صورت تخلف یا اعضاء هیئت ناظره كه در این امر مقصر باشند مسئول خواهند بود هر يك از شركاء حق دارد در محكمه عدلیه فسخ شركت را مطالبه نماید .

(كمسیون عیناً تصویب کرده بود)
رئیس - مخالفی هست (مخالفی نبود) ماده ۷۶ قرائت میشود .

(ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)
ماده (۷۶) هیئت ناظره كه از مجلس دارندگان سهام انتخاب میشود عده اعضاء آن از پنج نفر كمتر نخواهد بود (كمسیون عیناً تصویب کرده بود)
رئیس - مخالفی در این ماده هست (اظهار می شد) ماده ۷۷ قرائت میشود .

ماده ۷۷ - تكالیف هیئت ناظره همان است كه در جزء شرایط شركت مختلفه سهامی قید شده (كمسیون عیناً تصویب کرده بود)

رئیس - مخالفی هست (اظهار می شد) ماده ۷۸ قرائت میشود .
ماده ۷۸ - هیئت ناظره حق دارند بدفاتر و اسناد و كلیه نوشتهات شركت رجوع و هر نوع اطلاعی كه

لازم است از مدیران مطالبه نمایند (كمسیون عیناً تصویب کرده بود)
رئیس - مخالفی در ماده (۷۸) هست (اظهار می شد) مخالفی نیست .
فصل پنجم ماده (۷۹)
(فصل پنجم ماده (۷۹) طرح بعبارت ذیل قرائت شد)
فصل (۵) شرایط فسخ شركت .
ماده (۷۹) فسخ شركت چهار گانه از قرار ذیل است .

(اولاً) در صورت رضایت تمام شركاء .
(ثانیاً) در صورت فوت يكی از شركاء .
(ثالثاً) انقضاء مدت شركت .
(رابعاً) چنانچه مدتی برای شركت معین نشده باشد در صورتی كه يك یا چند نفر مایل بشركت نباشند و اگر مدتی معین شده است شركاء حق فسخ ندارند مگر این كه علت صحیحی پیشنهاد كنند ولی در هر صورت شركتی كه میخواهد از شركت خارج شود باید مراتب را قبل از وقت بسایر شركاء اطلاع دهد .
(خامساً) در صورت وصول بمقتضای شركت را برای آن تشكيل داده اند . (سادساً) در صورت تلف شی یا اشباتی كه علت تشكيل شركت بوده .
(سابماً) در شركت خصوصی و شركت مختلفه در صورت فوت و ورشكستگی و در تحت قیمومیت رفتن يكی از شركاء .
(ثامناً) در شركت سهامی محدود در صورت سوخت نصف سرمایه .
(تاسماً) در صورت تلف وجه مجلس (راپورت كمسیون) فصل ه شرایط فسخ شركت (ماده ۷۹) از راپورت كمسیون بعبارت ذیل قرائت شد) .
جزء دوم رای داده شد كه برداشت شود و جزء هفتم بجای جزء ویم نوشته شود و در جزء رابع بعد از حق فسخ ندارند زیاد شود (در صورتی كه موجب ضرر دیگران شود)

آقای شیخ محمد خیابانی - مقصود بنده يك توضیحی بود كه میخواستم از مغیر كمسیون بخواهم اصل شركت معلوم است كه از عقود جازیه است باین معنی كه هر يك از شركاء كه در هر وقت بخواهند میتوانند بگویند من كنار میروم لكن این حق را ندارند كه بگویند كه من میروم شركت باید منحل بشود برای این كه سایرین كه هستند حالا اگر مقصود از این ماده هم همین است كه گمان میکنم فقط آن قسم اولیش صحیح است و اگر مقصود از این فصل این است كه آن شركت باید منحل بشود كه هیچ يك از این مواد مگر بعضی از آنها صلاحیت این را ندارند بلكه ماده اول میگوید كه تا تمام شركاء رضای نشوند شركت منحل نمیشود و اگر مقصود این است كه يك نفر میتواند خودش را كنار بگذارد آن وقت بعضی اقسامی كه در این جا ذكر شده است منحصر باینها نیست و هر كسی هر وقت بخواهد اگر هم مدت معین شده باشد چون شركت از عقود جازیه است میتواند خودش را كنار بگذارد و اگر خسارت و ضرری وارد آمد البته میتواند از

اینجهت بنده تصور میکنم كه این اقسامی كه در این جا نوشته شده است برای فسخ شركت فسخ كافی شركت را كه هیچيك از شركاء حق ندارند كه بگویند منكنه كنار میروم باید شركت منحل بشود همچنین اگر يكی از آنها فوت شود آن دیگران باید در شركت خودشان باقی بمانند اما اینکه هر كسی در هر وقت كه بخواهد نمیتواند خودش را كنار بگذارد این را البته صحیح نمیدانم البته هر كسیكه بخواهد كنار بگذارد از شركت هر وقت هم كه باشد آزاد است و میتواند .

افتخار الواعظین - در این جا پس از مطالعه و مباحثه معلوم شد كه آن تأانی زیادی است و سابماً در شركت خصوص در صورت فوت و ورشكستگی و در تحت قیمومیت رفتن يكی از شركاء شركت باید فسخ بشود در این دو قسم از شركت نظر بآن شخص بوده است نه سرمایه مثلاً چند نفر چون دو نفرشان منحصراً در يك كاری هستند مثلاً نفر جمع میشوند و يك پولی رویهم میگذارند و يك دو آخانه دائر میکنند برای اینکه بكنند از اینها دوا ساز خوبی است . و در واقع این شركت كه تأسیس شده است بواسطه اینکه نظر باو داده است كه چون او منحصراً در اینكار بوده است سایرین هم يك پولی گذاشته اند و يك شركت دوا خانه را تأسیس کرده اند باین واسطه آن شخص كه از بین رفت باید شركت فسخ بشود حالا بعد سایرین اگر بخواهند آن را منحل بكنند هیچ مانعی ندارد و ممكن است كه تا بماند شركت را باز منعقد بكنند اما در شركت مختلفه سهامی و در شركت محدود آن جا در صورت فوت و ورشكستگی نیست و در صورتی كه يك یا چند نفر بخواهند فسخ شركت را نسبت بسایر خودشان بكنند میتوانند نه فسخ كلیه شركت را و آن هم باین ترتیب است كه باید برون سهام خودشان را بفرشند و پول خودشان را بگیرند .

حاج آقا - در جزء رابع لایحه كه در زمینه است كه مدتی برای شركت معین نشده باشد نوشته شده است كه در صورتی كه يك یا چند نفر مایل بشركت نباشند و اگر مدتی معین شده است شركاء حق فسخ ندارند مگر اینکه علت صحیحی پیشنهاد كنند این عبارت صحیحی نیست كه در قانون نوشته شود همیشه اسباب تشاجر بین شركاء خواهد شد یعنی وقتی كه يك كسی میخواهد شركت خودش را فسخ بكنند يك بیانی میکند و آن را علت صحیح فسخ شركت خودش قرار میدهد بواسطه اینکه علت صحیح يك مفهوم عامی دارد و يك معنی خاصی هم در اینجا از برایش معین میکنند لذا آن وقت طرف مقابل هم میگوید این علت صحیح است و این اسباب تشاجر و تنازع میشود و بنده این را هیچ لازم نمیدانم كه در این جا نوشته شود مگر اینکه يك وجه و ترتیبی شرط كنیم كه كمیكه شركت شد حق فسخ تا يك مدتی ندارد و البته این را هم میدانم كه اگر این را ما بطور مطلق شرط كنیم و در هیچ موقع قید نكنیم كه اگر علت صحیحی داشته باشد هم نمیتواند فسخ بكنند صحیح نیست ولی تصور میکنم كه اگر كه بطور التزام خارجی باشد

آن اشکال آقای آقا شیخ محمد آقا هم رفع خواهد شد و آن وقت هیچ استثنائی نباشد که مگر اینکه علت صحیحی پیشنهاد بکند بواسطه اینکه همیشه این شرط اسباب تنازع و تشاجر بین شرکاء خواهد شد.

افتخار الواعظین - بنده تقاضا میکنم که این ماده (۷) برگردد بکمیسیون که تجدیدنظری در آن بشود و در شور دوم بمجلس بیاید.

رئیس - بسیار خوب چون مغیر تقاضا می کند این ماده هم بکمیسیون رجوع می شود ماده - ۸۰.

(ماده ۸۰) از طرح بپارت ذیل فرائض شد پس از فسخ شرکت در صورتی که شرکاء مایل باشند میتوانند شرکت را تشکیل دهند از این جهت باید موافق شرایطی که برای تشکیل شرکت معین است رفتار نمایند (کمیسیون پیشنهاد کرده بود که بعد از کلمه (میتوانند) زیاد شود (مجدداً بشارکت نامه قانونی).

رئیس - مغالطی در این ماده هست (اظهاری نشد) مغالطی نیست ده دقیقه تنفیص داده خواهد شد لکن قبل از وقت لازم است عرض کنم که شعبه سوم و چهارم و پنجم شعبه که در (۱۴) میزان معین شده اند باید در موقع تنفیص منعقد بشود بکنفر بجای آقای دکتر حیدر میرزا و بکنفر بجای آقای دکتر اسمعیل خان برای کمیسیون نظامنامه انتخابات معین نمایند برای اینکه این سه نفر از عضویت این کمیسیون استعفاء داده اند (بعد از تنفیص یک ساعت و ربع قبل از ظهر مجدداً جلسه تشکیل شد).

رئیس - آقایانی که برای کمیسیون اصلاح نظامنامه انتخابات معین شده اند از شعبه سوم آقای آقا شیخ ابراهیم شعبه چهارم آقای دکتر سمید الاطباء از شعبه پنجم آقای ذکاءالملک.

۵- راپورت کمیسیون بودجه راجع بآیت الله زاده طهرانی خوانده میشود:

(بپارت ذیل قرائت شد) - راپورت کمیسیون بودجه راجع بوراث مرحوم آیت الله طهرانی نورالله مضجعه که در مجلس بابت تکلیف مانده بتقاضای مغیر بکمیسیون بودجه رجوع گردید بعد مجدداً مطرح مذاکره گردیده در خصوص اخذ مالیات قریه (آده) پس از مذاکرات لازمه از قرار عشر عایدی که تا بحال جمع مالیاتی داشته کمیسیون مبلغ و مقداری مطابق ماده ذیل رای داده پیشنهاد مجلس شورای ملی مینماید در خصوص خرج راه آقای آقا شیخ محمد تقی مجتهد نیز عین ماده دو سابق خود را کمیسیون مجدداً پیشنهاد به تنفیص عقیده نمیدهد - ماده (۱) قریه (آده) خلاصه که مبلغ (۷۴۸) تومان نقد و مقدار (۲۷۲) خروار غله و (۱۶۷) خروار کاه جمع آنجا است بملکیت بوراث مرحوم آیت الله طهرانی واگذار شده و از هذلسنه تنگوزیل مبلغ ۷۴ تومان نقد و مقدار ۲۷ خروار غله و ۱۶ خروار کاه مالیات برای قریه مزبور برقرار میشود.

ماده ۳- مبلغ ۱۰۰۰ تومان خرج راه بجناب آقای آقا شیخ محمد تقی مجتهد وزارت مالیه مجاز است بپردازد.

رئیس - در کلیات این راپورت مغالطی

هست (اظهاری نشد) - مغالطی نیست رای میگیریم در این که داخل در شور مصاد بشویم یا خیر آقایی که تصویب میکنند داخل در شور مصاد بشویم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) اکثریت است در ماده اول مغالطی هست.

ارباب کیخسرو - بنده در مسئله مالیات شوالی از آقای مغیر داشتم که اینجا نوشته اند در خصوص مالیات مذاکرات زیاد در کمیسیون بعمل آمده است و هیچ نتوانسته اند که با حضور اوزیر مالیه یا معاونش بوده است یا خیر از این جهت میخواستم بدانم که نظر وزارت مالیه در این خصوص جلب شده است یا خیر.

حاج عز الممالک - مغیر کمیسیون بودجه بله نماینده وزارت مالیه در کمیسیون بوده و بعد از مذاکرات یک ماخذ خوبی برای مالیات این محل اتخاذ شد که آن عبارت از عشر عایدات آنجا است و اینکه فوریت آنهم تعیین شده است برای اینست که اگر عشر موهوم نوشته میشد باعث این بود که

بعد اسباب اشکالات از برای دولت میشد و اسباب این بود که هر سه وزارت مالیه تحقیق بکنند و ببینند که عایدی آنجا چیست باینجهت عیالاً همین عایدی که در اینجا ذکر شده است که عشر عایدات این محل است رای داده شد که وزارت مالیه دریافت نمایند بعد هر فرازگی که برای تمام املاک داده شود مسلم است که اینهم همانطور خواهد محسوب شد عیالاً برای اینکه یک مالیات معین برای این محل مقرر باشد با حضور نماینده وزارت مالیه بوجوب این مدرک کمیسیون اینطور رای داد.

هشترودی - بنده میخواستم از مغیر کمیسیون سؤال بکنم که یک قریه خالصه که مبلغ ۷۴۸ تومان و مقدار ۲۷۲ خروار غله و ۱۶۷ خروار کاه عایدی داشته باشد این چقدر باید قیمت داشته باشد این اندازه غله چقدر باید بفروش برود بنده این را باید بدانم بعد از آن رای بدهم.

رئیس - این قسم شوالا ترا که نمیشود در مجلس شورای ملی کرد و مذاکره نمود خودتان باید دانسته باشید که قیمت چقدر میشود.

حاج عز الممالک - برای توضیح و اینکه اذهان آقایان مسبق شود اگر اجازه میدهند توضیحی عرض کنم - در زمان کابینه آقای مستوفی الممالک از طرف هیئت وزراء پیشنهاد میشد که ملکی خارج از اطراف طهران که در سال دوهزار تومان عایدی داشته باشد بوراث مرحوم آیت الله زاده طهرانی واگذار شود و راپورتش که از کمیسیون بودجه بمجلس آمد برای اینکه ملک معلوم نبود و مطلب بطور مبهم نوشته شده بود از طرف مجلس رجوع شد بهیئت وزراء که باسم و رسم معین بکنند و بمجلس پیشنهاد نمایند و این پیشنهاد هم که عرض کردم تقریباً دردمهه پیش بود بعد در این کابینه پیشنهادی شامل دو ماده کردند که ماده اولش راجع بود به برگذاری بابا سلمان که از خالصه جات اطراف طهرانست در کمیسیون اینطور مذاکره شد که خالصه اطراف طهران چون لازم است که غله اش بخود دولت برسد صلاح نیست که یکی از خالصه جاتی

را که خارج از اطراف طهرانست بدهند این بود که وزارت مالیه آن پیشنهاد خودش را مسترد داشت و مجدداً پیشنهاد کرد که این قریه (کرده) را بدهند و اینکه فروودند قیمت عایدی این محل چقدر میشود نقدش که معین است و جنسش هم تقریباً خرواری چهار تومان بفروش میرود و رویهمرفته کمتر از آن بود که کابینه سابق عقیده داشتند که بقره مرحوم آیت الله زاده طهرانی داده شود این راجع باصل مسئله بوده یعنی توضیح این بود که تا بحال چه شده است و دراصل موضوع هم اساساً گمان نمیکند که مغالطی باشد در اینکه مجلس شورای ملی برای حفظ مقام یک خانواده جلیل القدر ویکه در حقیقت بنظر تمام اهل ایران باینست که حفظ مقام و شئون این خانواده شده باشد بکمیسیون اظهار قدر دانی نسبت بخدمات آنها نمایند باینکه در حفظ استقلال مملکت و اساس مشروطیت و اسلام مرحوم حجة الاسلام بهمه ما حق دارند و باین ترتیب واقعا گمان نمیکند که جای مغالطی در این موضوع باشد.

هشترودی - بنده چون که وکیل ملت هستم و بنده را وکیل کرده اند که آزادانه حرف خودم را در اینجا بگویم از اینجهت لازم میدانم که در این موضوع هم عقیده خودم را عرض بکنم - اینکه میفرمایند خدمت با اساس مشروطیت کرده است و اسلام خدمت کرده است بنده عرض میکنم که پیشتر بالاتر از آن کرده است پس باید اولاد پیشتر را ملاحظه بکنیم که هیچ ندارند و شبهه گراسته میخواهند و آن بهتر است البته از اینکه نظر را در این موضوع به خصوص داشته باشیم بنده عقیده ام اینست که خودم بهتر از همه خدمت کرده ام و یک پنجشاهی هم از دولت نباید بگیرم بلکه خودم هم مالیات بدهم گدائی برای اینکه یک چیزی بدولت داده باشد برای اینکه کارهای خودش را اداره کند و در خیال این هم نیستم که اکثریت رای بدهد یا رای ندهد بنده عقیده خودم را باید اظهار بدارم بنده عرض کردم که یک قریه که همچو عایداتی دارد قیمت او چقدر میشود و شاید عقیده ام این بود که رای بدهم که قیمت این قریه را بایشان بدهند و این ملک برای دولت باقی باشد این بایست که معنوع شدنش را بنده صلاح میدانم از این جهت باز عرض میکنم خوبست قیمت آنرا معین کنند تا اینکه بنده رای خودم را بدهم.

حاج شیخ الرئیس - بنده در اساس تقریرات آقای هشترودی و زمینه فرمایشاتشان تایید درجه همراهم البته هر مکلفی اگر ایفاء وظیفه وجدانی و ایمانی و ایرانی گری خودش را کرد البته نباید در مقابل اینکار واجبی که کرده است مزد بخواهد بلکه از نظر از نقود اخذ اجرت بخواهید است ولی از آن طرف یک نظر دیگری باید آقایان نمایندگان داشته باشند و در اینکه میفرمایند اینجاب مفتوح میشود بنده گمان میکنم که این مسابقه نخواهد شد برای دیگران زیرا که آیت الله طهرانی قدس الله دودرجه یک شخص بود که بنده میتوانم بگویم بعد از این ایشان عزیز الوجود خواهند بود گمان میکنم که انشاء الله تعالی یک واقعات ناگواری بهماز این از برای مملکت پیش نیاید که یک مساعدت فوق العاده از مثل یک همچو بزرگواری ببینم که ما را مجبور

بکنند باظهار حق شناسی و قدر دانی و احساسات انسانیت و اسلامیت و جزاء احسان که هل جزاء - الاحسان الا الاحسان و یک تقدیمی و مساعدتی بس بنده بجزرت میتوانم این را عرض بکنم که این سابقه پیدا نخواهد کرد از قبیل اینکه فلان مجاهد کشته شده است ماهی یک تومان بوره اش بدهند یا خودش دستش شکسته است یا فلان قسم شده است و این که میفرمایند قیمت این چقدر است بنده عرض میکنم بهر درجه تصویب بهمان قانونی که دارند که ده یک و ده نیم کم است و دیگران بهتر از من میدانند این ملک را قیمت کنند و بهر مبلغی که تقویم بشود بنده قدر و قیمت آن خدمات و خدمات که مرحوم آیت الله در ایفاء مشروطیت بلکه در ایفاء اسلام زیرا که بنده روح اسلام را با مشروطیت و آزادی ملت یکی میدانم و بهمین عقیده صحیحه مسلمه خودم را تقدیه کردم و حالا هم حاضر تا آخرین نفس اینکار را بکنم عرض میکنم که قدر و قیمت آن خدمات بیش از آن است و امروز اگر این مسئله اگر از مجلس بگذرد یکی از نکته های تاریخی خواهد بود که باین مجلس تمام عیار یادگار خواهیم گذاشت.

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) رای میگیریم بماده اول - آقایی که ماده اول را تصویب میکنند ورقه سفید و آقایی که رد میکنند ورقه کبود بخود خواهند انداخت. اوراق رای اخذ شد و آقای حاج میرزا رضا خان بقرار ذیل شماره نمود ورقه سفید علامت قبول ۴۴ ورقه کبود علامت رد ۳.

رئیس - با اکثریت ۴۳ رای از ۷۴ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد ماده ۲ (مجدداً ماده ۲ راپورت کمیسیون قرائت شد).

رئیس - مغالطی هست.

آقای میرزا داود خان - عرض کنم بنده در این موضوع داخل مذاکره نمیشوم که مخارج راه از این جا تا عتبات چقدر است و کمتر از این میشود یا بیشتر چون نرفته این راجع است با آقایانی که مشرف شده اند ولی یک مطلبی هست و آن اینست که در جلسه مشنبه ۲ شهر رجب این خرج راه با اکثریت تصویب نشد و گویا چیزی که با اکثریت تصویب نشده است رد شده باشد و در این راپورتی که از کمیسیون بودجه داده اند نوشته اند که کمیسیون بودجه پیشنهاد سابق خودش را عیناً مجدداً پیشنهاد میکند و تغییر عقیده در آن نمیتواند بدهد بنده عرض میکنم کمیسیون بودجه عده شان ۱۸ نفر است و اگر هم با اتفاق رای بدهند موجب تصویب یک مطلبی که در مجلس با گذریت رد شده است نخواهد بود تصور میکنم که خوب بود کمیسیون بودجه این یک هزار و پانصد تومان را مذاکره در آن میکرد با هزار از آن کسر میکردند و یا این که هزار زیاد میکردند و این طور اظهار میکردند که ما ملاحظه مخارج را که کردیم دیدیم این اندازه کمست و آنقدر بر آن افزودیم و نمیدانیم چه جهت دارد که همان ماده سابق را دومر تبه عیناً پیشنهاد کرده اند این را خوب است توضیح بدهند که علت آن را بدانیم.

رئیس - اینکه میفرمایند تصویب نشد یعنی رد شدن میشود و بلا تکلیف ماند اکثریت بهیچیک از

دو طرف حاصل نشد و از این قبیل مطالب هم تا بحال خیلی بمجلس آمده است این اولش نیست چند فقره راپورت همین طور از کمیسیون بودجه بمجلس آمد و بلا تکلیف ماند.

حاج عز الممالک - جواب قسمت دوم از فرمایشات ایشان را که فرمودید و نظیرش هم ماده ۲ بودجه مجلس بود که چندین مرتبه بمجلس آمد و بلا تکلیف ماند ولی راجع بخرج را بنده عرض میکنم که مقصود از این خرج راهی نیست که از اینجا بروند بعتبات بلکه این یک مساعدتی است که از طرف مجلس شورای ملی بشخص آقای آقا شیخ محمد تقی میشود که مدت در طهران تشریف دارند و مسافرت بمشهد کرده اند و در حقیقت بیشتر از اینجا کرده اند.

رئیس - دیگر مغالطی نیست (اظهاری نشد) رای میگیریم بماده ۲ آقایانی که ماده دوم را تصویب میکنند ورقه سفید و آقایی که رد میکنند ورقه کبود بپندارند اوراق رای اخذ شد آقای حاج میرزا رضا خان بقرار ذیل احصاء نموده ورقه سفید ۴۶ ورقه کبود ۴.

رئیس - ماده ۲ با اکثریت ۴۶ رای از ۷۴ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد - حالا در کلیات مذاکره میشود - در کلیات مغالطی هست (اظهاری نشد) مغالطی نیست - رای میگیریم در کلیه این لایحه آقایی که تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد اخذ رای شد آقای حاج میرزا رضا خان عده اوراق را بقرار ذیل معین نمود ورقه سفید ۴۴ - ورقه آبی سه.

رئیس - با اکثریت ۴۲ رای از ۷۳ نفر تصویب شد - خاطر آقایان مسبق است که در چند جلسه قبل در خصوص طرح آقای عز الممالک مذاکرات زیاد شده بود و در باب قابل توجه بودنش رای گرفته شده است یکی از آقایان هم پیشنهاد کرده بودند بکمیسیون تفسیر رجوع بشود که بهیچند معلوم کنند که این پیشنهاد قانون اساسی منافات دارد یا ندارد ولی بعقیده بنده قبل از اینکه یک کمیسیونی برود باید در قابل توجه بودنش رای گرفته شود و در وقتی که در قابل توجه بودنش رای بدهند رای قطعی که نمیدهند بعد از آنکه بکمیسیونی رفت اگر منافاتی با قانون اساسی داشته باشد در ثانی که برگشت بمجلس آن وقت رای ندهند در هر صورت باید در قابل توجه بودنش رای گرفت و اگر آقایان تصویب نمی کنند باید در ارجاع آن بکمیسیون تفسیر هم رای گرفته شود

عز الممالک - بنده در بدو جلسه عرض کردم نظر بعضی آقایان اینست که این پیشنهاد بنده باصل ۳۲ قانون اساسی مغالط است و شاید که رای ندهند این بود که تقاضا کردم طرح بنده موقتاً سکوت عنه بماند تا اصل ۳۲ رجوع بکمیسیون تفسیر میشود راپورت کمیسیون بمجلس بیاید بعد از راپورت دادن کمیسیون آن وقت طرح حیرا که بنده پیشنهاد کردم مطرح مذاکره شود.

آقای حسین اردبیلی - کمیسیون مبتکرات در ضمن راپورتی که داده است طرح آقای عز الممالک را قابل توجه ندانسته است که نکته در نظر گرفته است است یکی مغالط آن بماده ۳۲ قانون اساسی و یک دلیل دیگر عبارت بوده از اینکه این طرح با آزادی

طبیعی یعنی با حقوقی که از برای افراد ایرانی تصور است منافات دارد حالا من تصور میکنم فرضاً هم برود بکمیسیون تفسیر که بهیچند آیا با قانون اساسی منافات دارد یا ندارد در هر صورت آن قسمت دیگرش یک چیزی نیست که بتوان در آن تردید کرد در آنجا هم مذاکرات مفصل شده است و کمیسیون علاوه بر مغالط قانون اساسی این نکته بزرگ را در نظر گرفته است که البته در موقعی که در بعضی از نقاط این عنوان نمایندگان را با استقلال سایر مأموریت های دولتی هیچ منافات تصور نمیکند ما آمده ایم باقتضای حال مملکت این را تصویب نکرده ایم که یک شخصی در عین اینکه ست نمایندگی دارد بتواند یک کار دیگری را مصلحتی شود ولی استغای او را واقعاً خیلی منافی با انصاف میدانم که بعد از استغای از نمایندگی هم از او این حق را سلب بکنیم و بگوئیم یک نماینده از نمایندگی استعفا داده است تا آخر دوره تقنینیه نمیتواند سمت استخدام دولتی داشته باشد و در واقع یک چیز خیلی غریبی خواهد بود که هوا خواهان تجدید و تکامل بر ما بخندند مثلاً برای تشکیل وزارتخانه ها یک ترتیبی قرار خواهند داد که اعضای وزارتخانه ها باید دارای چه شرایطی و فاقد چه شرایطی باشند فرضاً بنویسند یک کسی که مرتکب جنحه و جانی شده باشد او را بخدمت وزارتخانه نمیتواند قبول بکنند همین طور بگویند که یک شرط دیگر هم اینست که مسبوق به نمایندگی مجلس شورای ملی هم نباشد با اینکه نمایندگی مدت یک شراکت بزرگی دارد و ثابت میکند که آن شخص منتخب بواسطه فضایل علمی و اخلاقی مورد توجه و حسن ظن عضوت مجلس است اما داد یک خدمت دیگری در مملکت که خیلی مهم است متصدی شود و یک رشته از خدمات عمده دولتی بهمه بگیرد دیگر سلب این حق گذشته از اینکه برخلاف قانون اساسی است یک چیز خیلی غریبی بنظر میآید باین ملاحظات بوده است که کمیسیون مبتکرات این طرح را قابل توجه ندانسته است حالا بعضی از آقایان مایل هستند بکمیسیون تفسیر رجوع شود که در آن ملاحظه موافقت بعضی اوصاف دیگر که مانع از مشاغل دولتی است محسوب بداریم و یک همچو قانونی را وضع کنیم این ست نمایندگی را هر کس داشته باشد مدت مدیدی بعد از استعفاء هم از این حق محروم بماند که نتواند مستخدم دولتی شود و حال آنکه در مملکت ما استخدام دولتی و ملتی فرق نمیکند همه یک رشته معنی است که باید برای انتظام امور مملکت کار بکند البته بعضی از نظراتی بوده است که آقای عز الممالک بعضی از نمایندگان محترم را وادار کرده است باینکه تصور کرده اند شاید بعضی از نمایندگان را که شایستگی مقام معاونت یا ریاست یکی از شعبات وزارتخانه را دارند از مجلس بپزند و مشاغل دیگر بآنها رجوع کنند در صورتیکه مجلس نیز از وجود